

فصل سوم

ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه

تاریخ ایران از ورود اسلام تا تأسیس حکومت صفوی، تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زیادی را پشت سر گذاشت. اوضاع سیاسی کشور ما در این سده‌ها، فراز و نشیب‌های زیادی داشت و سلسله‌ها و حکومت‌های متعددی بر سر کار آمدند و هر کدام به طریقی بر شرایط ایران تأثیر گذاشتند. اما مهم‌ترین تحول در عرصه دینی و فرهنگی رخ داد و ایرانیان با پذیرش تدریجی اسلام، نقش عظیمی را در تأسیس و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی به عهده گرفتند. در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی نیز جامعه ایرانی تغییر و تحولات زیادی به خود دید. شما در این فصل با کاوش در موضوع‌های تاریخی و بررسی شواهد و مدارک؛ علل، آثار، نتایج و پیامدهای مهم‌ترین تحولات تاریخ ایران در دوران اسلامی را شناسایی و تحلیل خواهید کرد.



تمدن ایرانی - اسلامی



حملهٔ اعراب مسلمان به ایران که منجر به سقوط ساسانیان و آغاز دوران اسلامی شد، رویدادی مهم و سرنوشت‌ساز در تاریخ کشور ما به شمار می‌رود. شما در این درس با استفاده از شواهد و مدارک، چگونگی فتح ایران توسط اعراب و علل و آثار مهم‌ترین تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را که در دو قرون نخست هجری در کشور ما به وقوع پیوست و زمینه‌های شکل‌گیری تمدن ایرانی - اسلامی را فراهم آورد، بررسی خواهید کرد.

فتح ایران توسط اعراب مسلمان

فکر کنیم و پاسخ دهیم



مورخان در یک تقسیم‌بندی معروف، تاریخ ایران را به دو دورهٔ اصلی تقسیم کرده‌اند. الف) پس از مشورت با همدیگر، بگویید این دوره‌ها کدامند؟ ب) به نظر شما مبنای این تقسیم‌بندی چیست؟

ساسانیان و اعراب



در عصر باستان، قبایل بیابانگرد عرب که در مجاورت مرزهای جنوب و جنوب‌غربی فلات ایران می‌زیستند، مکرر به شهرها و آبادی‌های مرزی میهن ما هجوم می‌آوردند و پس از غارت آنها به درون بیابان‌های شبه‌جزیرهٔ عربستان عقب‌نشینی می‌کردند. به همین دلیل، حکومت ساسانیان، علاوه بر زنجیره‌ای از پادگان‌ها که در مرزهای جنوب‌غربی قلمرو خود ایجاد کرده بود، دولت‌نشاندگی از طایفهٔ عرب آل‌مُنْذِر (لَحْمِیَان) در حیره بر سر کار آورد که سدّ محکمی در برابر یورش اعراب بدوی و کوشش‌های رومیان برای نفوذ به سرحدات ایران باشد. در جنوب، غیر از بحرین ۱ و عمان که جزو سرزمین اصلی ایران بودند و مرزبانان ایرانی بر آنجا حکومت می‌کردند، یمن نیز از زمان پادشاهی خسرو انوشیروان به تصرف ساسانیان درآمد.

ایران در آستانهٔ حملهٔ اعراب



همزمان با ظهور اسلام، ایران در وضعیت سیاسی و اجتماعی نامساعدی به سر می‌برد. حکومت ۴۰۰ سالهٔ ساسانی را جنگ‌های طولانی و پرخرج با روم در غرب و نبردهای پی در پی با اقوام بیابانگرد در مرزهای شرقی، از یک سو و اختلاف و نزاع بزرگان و اشراف دچار فرسودگی و ضعف کرده بود. به گونه‌ای که پس از خسرو پرویز در مدت کوتاهی بیش از ده تن به تخت شاهی نشستند.

۱- در قرون نخستین اسلامی به بخش وسیعی از مناطق ساحلی جنوب خلیج فارس بحرین گفته می‌شد؛ ولی امروزه این نام بر کشور بحرین که جزیره‌ای در جنوب خلیج فارس است اطلاق می‌شود.

اوضاع اجتماعی نیز به دلیل جدایی و بیگانگی طبقات جامعه ایران از یکدیگر، اختلافات مذهبی و سرکوب شدید مخالفان دین رسمی، تنگ‌نظری موبدان و دخالت آنها در همه شئون کشور پریشان بود.

علاوه بر آن، بروز بیماری مرگبار طاعون و طغیان شدید رودهای دجله و فرات که بندها و سدها را شکست و خسارت فراوانی به زمین‌های حاصلخیز آسورستان (بین‌النهرین/سواد/عراق) زد، ضربه سنگینی به اقتصاد ساسانیان وارد آورد. حادثه تأثیرگذار دیگری که در این اوضاع و احوال اتفاق افتاد، از میان برداشتن دولت آل‌مندر توسط خسرو پرویز بود. اندکی پس از این ماجرا، دسته‌ای از سپاهیان ساسانی از قبیله‌های عرب که به مرزهای ایران حمله کرده بودند، شکست خورد^۱. این واقعه، اُبّهت و عظمت قدرت ساسانیان را نزد اعراب فرو ریخت و باعث تشویق و تحریک بیشتر آنان برای هجوم به کاروان‌ها و آبادی‌های مرزی ایران شد.

نخستین برخوردهای مسلمانان با ایرانیان

مطابق برخی روایت‌ها، خسرو پرویز از جمله فرمانروایان بزرگی بود که در سال هفتم هجری توسط حضرت محمد به اسلام دعوت شد؛ اما او دعوت پیامبر را نپذیرفت و به باذان، حاکم ایرانی یمن امر کرد که به حجاز رود و آن حضرت را دستگیر و روانه تیسفون کند. البته برخی از مورخان در درستی این روایت تردید دارند. به هر حال، چون پیامبر خبر مرگ خسرو را به باذان فرستاد، او به همراه دیگر ایرانیان یمن اسلام آورد. اینان پس از سلمان فارسی، نخستین گروه ایرانیانی بودند که مسلمان شدند. آنان در خلال سرکشی‌هایی که پس از رحلت رسول خدا در شبه جزیره عربستان به وجود آمد، ایمان خود را نسبت به اسلام نشان دادند و با تمام وجود در برابر از دین برگشتگان و پیامبران دروغین جنگیدند.

کاوش خارج از کلاس

با رجوع به منابعی که دبیر معرفی می‌نماید در باره سلمان فارسی تحقیق کنید و به پرسش‌های زیر در باره او پاسخ کتبی دهید.

الف) از چه شهر و خاندانی بود؟ ب) در آغاز پیرو چه دینی بود؟ پ) با چه انگیزه و هدفی و چگونه به مدینه رسید و مسلمان شد؟ ت) چه خدماتی به اسلام در مدینه کرد؟ ث) در جریان فتح ایران چه مأموریتی را به عهده گرفت؟

علاوه بر یمن، در زمان پیامبر، اسلام به بحرین و عمان نیز راه یافت. مرزبان‌های ساسانی این دو منطقه در مقابل سپاهیان مسلمان تاب مقاومت نیاوردند و زرتشتیان ساکن بحرین به اطاعت مسلمانان و پرداخت جزیه گردن نهادند.

حمله اعراب مسلمان به ایران

در شرایطی که دربار ساسانی دچار اختلاف و آشفتگی بود، اعراب مسلمان در اواخر دوران خلافت ابوبکر به منطقه سواد حمله کردند و تعدادی از آبادی‌ها و شهرهای آن منطقه را به جنگ و یا صلح گشودند، اما حملات جدی آنان در ابتدای خلافت عمر بن خطاب صورت گرفت. در آن زمان، پس از سال‌ها اختلاف و نزاع در دربار ساسانی، یزدگرد سوم بر تخت نشست، امور کشور کمی سامان یافت و سپاه ایران با شکست اعراب مسلمان در جنگ جسر یا پل (۱۳ق) بیشتر متصرفات آنان را پس گرفت. عمر، خلیفه دوم جنگاوران تازه‌نفسی را که از انگیزه معنوی و مادی بالایی برای جنگیدن برخوردار بودند، روانه ایران کرد.

۱- این جنگ در فاصله سال‌های ۶۰۴ تا ۶۰۱م در آبخوری موسوم به ذوقار (ذبقار) در جنوب کشور کنونی عراق رخ داد.

بررسی شواهد و مدارک



متن‌های زیر را به دقت بخوانید و با همفکری به پرسش‌های مربوط به آنها پاسخ دهید.

متن ۱: عُمر، خلیفهٔ دوم، پیش از جنگ قادسیه در مدینه خطاب به اعراب مسلمان گفت: «حجاز جای ماندن شما نیست، مگر آنکه آذوقه جای دیگر بجوید که مردم حجاز جز به این وسیله نیرو نگیرند، روندگان مهاجر که به وعدهٔ خدا می‌رفتند کجا شدند؟ در زمین روان شوید که خدایتان در قرآن وعده داده که آن را به شما می‌دهد و فرموده که اسلام را بر همهٔ دین‌ها چیره می‌کند و یار خود را نیرو می‌دهد و میراث امت‌ها را به اهل آن می‌سپارد. بندگان صالح خدا کجایند؟» (تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۵۸۸).

متن ۲: مثنی‌بن حارثه، رئیس یکی از قبیله‌های عرب که در حمله به مرزهای ایران خیلی فعال بود، گفت: «در جاهلیت و اسلام با عرب و عجم جنگ کردم، به خدا به روزگار جاهلیت یک‌صد عجم پرتوان‌تر از هزار عرب بود و اکنون یک‌صد عرب پرتوان‌تر از هزار عجم است» (همان، ج ۴، ص ۱۶۱۷).

الف) با توجه به متن ۱، برداشت شما از انگیزهٔ اعراب مسلمان در حمله به ایران چیست؟
ب) تحلیل شما از متن ۲ در خصوص وضعیت روحی و روانی سپاهیان ساسانی در هنگام حمله اعراب به ایران چیست؟

اعراب مسلمان نخست در قادسیه به سختی سپاه ایران را به سختی شکست دادند (۱۴ق) و تیسفون پایتخت پرآوازه ساسانیان را پس از مدتی محاصره تسخیر کردند (۱۶ق).



از عوامل شکست قادسیه، می‌توان به اختلاف‌های داخلی ایرانیان و ناامیدی رستم فرخزاد، فرمانده سپاه ساسانی از پیروزی، همکاری دهقانان^۱ و برخی قبیله‌های عرب ساکن سواد با مسلمانان اشاره کرد. ضمن آنکه خبر پیروزی خیره‌کننده اعراب مسلمان بر رومیان در شام، موجب تقویت روحیه و انگیزهٔ جنگاوران عرب در قادسیه شد.

پس از سقوط تیسفون، بقایای ارتش ساسانی در جلولاگرد هم آمدند و با مهاجمان جنگیدند، اما شکست خوردند و بسیاری از آنان کشته شدند (۱۶ق).

بحث و گفت‌وگو

به دنبال پیروزی اعراب مسلمان در جنگ‌های قادسیه و جلولا، سرتاسر سرزمین حاصلخیز و ثروتمند سواد به تصرف آنان درآمد. با توجه اینکه این سرزمین به جنگ گشوده شده بود، تمام اموال و املاک آن‌جا به عنوان غنیمت به جنگجویان مسلمان تعلق می‌گرفت؛ اما عُمر، خلیفهٔ دوم، پس از مشورت با تعدادی از صحابه از تقسیم املاک مذکور خودداری کرد. به دستور او، دهقانان و کشاورزان آن سرزمین امان یافتند و به آنان اجازه داده شد که همچون گذشته بر روی زمین‌های آن‌جا کشاورزی کنند و در مقابل به مسلمانان جزیه و خراج دهند.

با راهنمایی دبیر در باره علل و آثار سیاسی، نظامی و اقتصادی این تصمیم خلیفه دوم، بحث و گفت‌وگو نمایید.



۱- دهقان یا دهگان، به کسانی گفته می‌شد که در دورهٔ ساسانی و قرون نخستین هجری، به نمایندگی از حکومت روستاها را اداره می‌کردند و مالیات‌ها را گردآوری می‌کردند.

پیروزی اعراب مسلمان در جنگ نهاوند سرنوشت حکومت ساسانی را قطعی کرد (۲۱ق). فاتحان این پیروزی را فتح الفتوح نامیدند. به دنبال آن، سپاهیان مسلمان از هر سوی به داخل ایران پیش تاختند و تا دوران خلافت عثمان، بیشتر شهرها و ولایات مختلف را یکی پس از دیگری به جنگ و یا صلح گشودند^۱.

ساکنان برخی شهرها و مناطق ایران مانند همدان، ری، فارس و به خصوص شهر استخر که خاستگاه خاندان ساسانی بود، بارها بر اعراب شوریدند، اما از آنجایی که میان این شورش‌ها هماهنگی وجود نداشت، اعراب آنها را سرکوب کردند و در جریان آن تعداد قابل توجهی از مردم تلف شدند.



فعالیت ۲

بررسی شواهد و مدارک؛ صلح‌نامه‌ها

صلح‌نامه‌های میان ایرانیان و اعراب، حاوی نکات مهمی دربارهٔ چگونگی فتح ایران و برخوردهای فاتحان و مغلوبان است. قسمتی‌هایی از چند صلح‌نامه را به دقت بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آنها، پاسخ دهید.

صلح‌نامه نهاوند: [فرمانده سپاه عرب] جان‌ها و مال‌ها و زمین‌هایشان را امان می‌دهد که کسی دینشان را تغییر ندهد و از انجام ترتیبات دینشان منع نکند، مادام که هر سال به عامل خویش جزیه دهند. مادام که ره‌مانده را رهنمایی کنند، راه‌ها را اصلاح کنند و هر کس از سپاه مسلمانان را که به آنها گذر کند [یک شبانه‌روز] مهمان کنند و مادام که نیک‌خواهی کنند. اگر خیانت کردند ذمه ما از آنها بری باشد «تاریخ طبری، ج ۵، ۱۹۶۰».

صلح‌نامه ری: «[یکی از بزرگان شهر] پانصد هزار درهم بداد تا تازیان کسی از ایشان را نکشند و به اسیری نبرند و آتشکده‌ای را ویران نکنند، و نیز خواستند که مقدار خراج ایشان برابر خراج اهل نهاوند باشد» (بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۲۰).

صلح‌نامه آذربایجان: «مرزبان بر همه آذربایجان از حذیفه بن یمان (فرمانده سپاه مسلمانان) طلب صلح کرد و بر آن شد که هشتصد هزار درهم بپردازد به آن شرط که حذیفه کسی را نکشد یا به اسیری نگیرد و آتشکده‌ای را ویران نسازد. اهل شیز^۱ را از پایکوبی در روزهای عید و انجام مراسم دیگر باز ندارد» (همان، ص ۱۶۳).

الف) تعهدات ایرانیان و اعراب مسلمانان را در قراردادهای صلح فوق فهرست نمایید.

ب) تعهدات اعراب مسلمان در این صلح‌نامه‌ها، دلالت بر چه مسائلی دارد؟



۱- آثار و بقایای شهر شیز یا تخت سلیمان، از جمله بقایای یکی از سه آتشکده بزرگ دوران ساسانی یعنی آتشکدهٔ آذرگشنسب که مخصوص شاهان بود، در جنوب دریاچهٔ ارومیه در استان آذربایجان غربی بر جا مانده است.

در جریان فتح ایران به ویژه پس از جنگ نهاوند، مرزبانان، دهقانان و حتی موبدان به عنوان حاکمان و یا بزرگان محلی از همراهی و همکاری با یزدگرد سوم دست کشیدند و هر کدام بر اساس منافع و مصلحت خویش با سپاهیان اعراب مسلمان که به حوزه فرمانروایی آنها می‌رسیدند، برخورد می‌کردند. برای نمونه، هرمزان، حاکم خوزستان، شهر شوشتر را مرکز فرماندهی خود قرار داد و به مقابله با اعراب برخاست، اما مهاجمان با خیانت یکی از ساکنان شهر به داخل شهر نفوذ کردند. هرمزان به اسارت افتاد و به مدینه فرستاده شد. شهرک، مرزبان فارس نیز با اعراب جنگید و کشته شد. مرزبانان برخی ولایات مانند آذربایجان و سیستان، مقاومت و جنگ در برابر سپاهیان مسلمان را بی‌فایده دانستند و به صلح با آنان رضایت دادند. برخی از حاکمان و بزرگان محلی از قبیل هیرندان^۱ نهاوند و دارابگرد، دهقان نیشابو و مرزبان طوس برای نجات جان و اموال و یا حفظ موقعیت سیاسی و اجتماعی خود، با اعراب مسلمان همکاری کردند و آنان را در فتح ایران یاری دادند.

دو قرن حکومت اعراب بر ایران

الف) عصر خلفای نخستین

پس از آنکه شهر و ولایتی توسط اعراب مسلمان فتح می‌شد، به فرمان خلیفه، فردی از میان فرماندهان سپاه، سران قبیله‌ها و یا صحابه به حکومت آنجا منصوب می‌شد. از آنجایی که اعراب تجربه چندان در کشورداری نداشتند، اداره امور دیوانی همچون گذشته در اختیار ایرانیان باقی ماند. محاسبه و دریافت مالیات‌ها همچنان توسط دیران و دهقانان ایرانی انجام می‌گرفت. دفترهای دیوانی مثل گذشته به خط و زبان پهلوی نوشته می‌شد و سکه‌های ضرب شده توسط ساسانیان همچنان در گردش بود. به طور کلی، اعراب مسلمان تا زمانی که نافرمانی صورت نمی‌گرفت و قراردادهای صلح نقض نمی‌شد، دخالتی در اداره امور داخلی شهرها و روستاها دخالتی نمی‌کردند.

ب) دوره خلافت امویان

در زمان حکومت بنی‌امیه، مناطق مختلف ایران تحت فرمان و نظارت والی عراق اداره می‌شد؛ البته در مواقعی نیز خلفای اموی در عزل و نصب حاکمان مناطق مهمی مانند خراسان و آذربایجان به طور مستقیم دخالت می‌کردند. در آن دوره، حکومت شهرها و مناطق مختلف دنیای اسلامی از جمله ایران در انحصار کامل اشرافیت اموی و سران قبیله‌های عرب متحد آنان قرار داشت. زیادبن‌آبیه، پسرش عبیدالله، حجاج بن یوسف ثقفی و یوسف بن عمر از جمله معروف‌ترین و لیان اموی بودند که بر عراق و ایران فرمان راندند و به ایرانیان، خواه مسلمان و خواه غیرمسلمان ظلم فراوانی کردند. در زمان حجاج بود که خط و زبان دفترهای دیوان از پهلوی به عربی برگردانده شد.

مهاجرت قبیله‌های عرب به ایران در قرن اول، از جمله رویدادهایی است که آثار و نتایج سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی بر جا گذاشت. این مهاجرت‌ها از دوران فتوحات و به هدف تحکیم سلطه مسلمانان بر ایران شروع شد، اما در دوره امویان شدت یافت؛ برای نمونه، در زمان معاویه ۵۰ هزار مرد جنگی عرب که به همراه اعضای خانواده شمار آنان به چند صد هزار نفر می‌رسید، به داخل ایران کوچ کردند.

بحث و گفت‌وگو

با راهنمایی دبیر موضوع‌های زیر را به بحث بگذارید: الف) چرا بیشتر مهاجران عرب جذب مناطق خراسان و سیستان شدند؟ ب) تداوم اختلافات کهن قحطانی و عدنانی در میان مهاجران، چه نتیجه و پیامدی برای خلافت امویان در ایران و به خصوص خراسان داشت؟ پ) مهاجرت گسترده اعراب مسلمان به ایران از نظر اجتماعی و فرهنگی چه آثار و نتایجی می‌توانست داشته باشد؟

۱- یزدگرد سوم پس از جنگ نهاوند به سوی مرکز ایران و سپس خراسان رفت و سرانجام در سال ۳۱ق/۶۵۱م، به تحریک دهقان مرو، به دست آسیابانی در نزدیکی آن شهر کشته شد.

۲- هیربد، عنوانی برای روحانیان زرتشتی بود که از نظر رتبه پس از موبدان قرار می‌گرفتند و وظایفی چون تعلیم و تربیت خدمت در آتشکده و قضاوت را بر عهده داشتند.

بیشتر اعراب مهاجر با همان زندگی بدوی و خانه به دوشی در واحه‌های اطراف شهرها و دیه‌ها مستقر شدند؛ تعدادی نیز در شهرها سکونت گزیدند و محله‌هایی خاص خود به وجود آوردند. مجاورت اعراب در ابتدا برای ایرانیان ناخوشایند بود و از این رو در برخی جاها مانند قم، با آنان درگیر شدند و در مواردی دیگر ساکنان محلی آن منطقه را ترک کردند. به تدریج شرایط مناسبی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری میان ایرانیان با مهاجران عرب، نخست در زمینه تجارت و کشاورزی و سپس در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی به وجود آمد و کم‌کم مهاجران جذب فرهنگ ایرانی شدند.

پ) عصر خلافت عباسیان

با روی کار آمدن خاندان بنی‌عباس و انتقال مرکز خلافت از دمشق به بغداد در سرزمین‌های ایرانی، شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی به نفع ایرانیان تغییر محسوسی یافت. در حکومت عباسیان، برخی از سیاستمداران و دیوانسالاران ایرانی به مناصب سیاسی و نظامی مهمی مانند وزارت، فرماندهی سپاه و حکومت شهرها و مناطق دسترسی پیدا کردند و اقداماتی را به سود مردم ایران انجام دادند. برای مثال، خاندان برمکیان در زمان هارون و خاندان سهل در زمان مأمون از نفوذ و قدرت خود برای ترقی جایگاه ایران و ایرانیان در دستگاه خلافت استفاده کردند. طاهر بن حسین، مؤسس نخستین سلسله ایرانی در دوران اسلامی یعنی طاهریان، دست پرورده خاندان سهل بود. با این حال تداوم سلطه اعراب بر ایران و برخی اقدام‌های عباسیان، زمینه ناخشنودی و مخالفت ایرانیان را با خلافت عباسی فراهم آورد.

جنبش‌های ایرانیان در دو قرن نخست هجری

الف) جنبش‌های دوران خلافت امویان

خلافت اموی در حقیقت یک دولت عرب‌گرا بود و نسبت به غیرعربان، خشونت و نفرت خاصی نشان می‌داد و به تحقیر آنان می‌پرداخت. ایرانیان به خصوص مسلمانان ایرانی که موالی خوانده می‌شدند، در برابر حکومت

ظالمانه امویان و رفتار تحقیرآمیز و قوم‌گرایانه آنان، در دو بُعد سیاسی - نظامی و اجتماعی - فرهنگی عکس‌العمل نشان دادند و مبارزه کردند.

۱- جنبش‌های سیاسی - نظامی

ایرانیان که از بیدادگری امویان نسبت به خود و اهل بیت رسول خدا به ستوه آمده بودند، از هر فرصتی برای مبارزه با خلافت بنی‌امیه و پیوستن به قیام‌های ضد اموی استفاده کردند. در درس ۶ این قیام‌ها را که در نهایت به سقوط حکومت امویان انجامید، مرور کردید.

۲- جنبش اجتماعی - فرهنگی

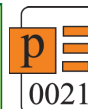
در بُعد اجتماعی و فرهنگی، گروهی از اندیشمندان، شاعران و نویسندگان ایرانی با سیاست تعصب و تفاخر طلبی قومی و قبیله‌ای امویان به مخالفت برخاستند و با استناد به آیات قرآن و روایات پیامبر، تمامی اقوام را مساوی دانستند. البته شماری از آنان در این کار به افراط کشیده شدند و از طریق مقایسه زندگی ایرانیان باستان با زندگی اعراب عصر جاهلیت، به تحقیر قوم عرب پرداختند. اینان به شعوبیان معروف شدند. جنبش شعوبی در دوره اول عباسیان نیز همچنان در عراق فعال بود.

ب) جنبش‌های عصر خلافت عباسیان

گرچه خاندان بنی‌عباس با کوشش ایرانیان (خراسانیان) به حکومت رسیدند، اما تداوم سلطه اعراب و برخی اقدام‌های خلفای عباسی از قبیل قتل ابوسلمه خال و ابومسلم، نابودی خاندان‌های برمکیان و سهل و سختگیری و ستم به شیعیان و اهل بیت پیامبر، نارضایتی و خشم مردم ایران را برانگیخت و زمینه‌ساز قیام‌های مختلفی در گوشه و کنار کشور شد. مهم‌ترین آنها یک رشته جنبش‌هایی بود که به خونخواهی ابومسلم و یا تکریم خاطره او صورت گرفت و برای سال‌های متمادی عباسیان را به زحمت انداخت. رهبران این جنبش‌ها دارای ترکیبی از عقاید دینی و فلسفی اسلامی و غیراسلامی مانند زرتشتی، مانوی و مزدکی بودند. هر چند این جنبش‌ها سرکوب شدند، اما سلطه خلفای عباسی را بر مناطق شرقی ایران خاصه خراسان سست کردند و زمینه مناسبی را برای شکل گیری سلسله‌های ایرانی در منطقه فراهم آوردند.

جنبش‌های ایرانی در دوره اول خلافت عباسیان

<p>سنباد یکی از سرداران زرتشتی ابومسلم و به قولی نایب او بود، که پس از قتل ابومسلم به دست منصور، خلیفه عباسی (۱۳۷ق)، به خونخواهی او در نیشابور قیام کرد. این قیام کوتاه، ولی خونین و هولناک بود. عده زیادی از پیروان ادیان و مذاهب مختلف در خراسان، ری و طبرستان به دور او گرد آمدند. سنباد به سرعت نیشابور، قومس، ری و قزوین را گرفت، ولی در جنگ با سپاه عباسی شکست خورد و اندکی بعد به دست اسپهبد طبرستان کشته شد. دسته‌ای از هواداران سنباد، پس از مرگش به وی وفادار ماندند.</p>	<p>جنبش سنباد</p>
<p>اسحاق ترک یکی از داعیان ابومسلم و شخصیتی برجسته در میان سپاه‌جامگان بود و چون در میان ترکان ماوراءالنهر فعالیت می‌کرد به اسحاق ترک معروف شد. وی مردم را به ابومسلم دعوت می‌کرد و مدعی بود که ابومسلم، فرستاده زرتشت است، نمرده، در کوه‌های ری مقیم است و در وقت معین خروج خواهد کرد. وی تنها به دعوت اکتفا کرد و هیچ گونه رویارویی میان او و پیروانش با مأموران خلافت روی نداد.</p>	<p>جنبش اسحاق تُرک</p>
<p>یکی از گسترده‌ترین جنبش‌هایی که با خاطره ابومسلم گره خورده، جنبش استادسیس در بادغیس خراسان بود که حدود سال ۱۵۰ق آغاز شد. به دنبال جنبش استادسیس، عده زیادی از گروه‌ها و قشرهای مردم با بیل، پارو و تبر با او همراه و همدستان شدند. دامنه جنبش او به سیستان نیز سرایت کرد. استادسیس با شکست عاملان خلافت بر بسیاری از شهرها و مناطق خراسان دست یافت و بر سپاهیان عباسی در چند جنگ پیروز شد، اما سرانجام از سپاه خلیفه شکست خورد (۱۵۱ق) و در اسارت کشته شد. جنبش استادسیس هم صبغه دینی داشت. گفته شده است که او ادعای پیغمبری داشت و خود را یکی از موعدهای زرتشت می‌شمرد که به اعتقاد زرتشتیان پس از هر هزاره ظهور می‌کنند.</p>	<p>جنبش استادسیس</p>
<p>مقتع که از سرهنگان ابومسلم بود به تناسخ گرایید و مدعی شد روح خدا در جسم ابومسلم و روح ابومسلم در جسم او (مقتع) حلول کرده است. یاران او که بیشتر از روستاییان و موالی ماوراءالنهر و خراسان بودند، برای نشان دادن مخالفت خود با عباسیان، لباس سفید به تن کردند و به سپیدجامگان معروف شدند. جنبش دینی — سیاسی مقتع حدود چهارده سال در ماوراءالنهر عاملان خلافت را به خود مشغول کرد و سرانجام با ناپدید شدن رهبر جنبش در قلعه‌ای که محاصره شده بود، به پایان رسید (۱۶۳ق).</p>	<p>جنبش مُقْتَع</p>
<p>جنبش بابک خرم‌دین یکی از بزرگ‌ترین جنبش‌هایی بود که در پیوند با نام و خاطره ابومسلم آغاز شد و سال‌های طولانی مایه وحشت خلیفه بغداد شد. خرم‌دینان به رهبری بابک قلعه‌ای مستحکم را در آذربایجان پایگاه خود قرار دادند و با نیروهای خلافت عباسی و عاملانش به مبارزه پرداختند. خرم‌دینان که گرایش مزدکی داشتند، مرگ ابومسلم را انکار می‌کردند و معتقد بودند که ابومسلم باز خواهد گشت تا عدالت را در جهان برقرار نماید. این جنبش سرانجام توسط افشین، سردار ایرانی که به فرمان معتمد خلیفه عباسی مأمور جنگ با بابک شده بود، از میان برداشته شد. بابک که به اسارت درآمده بود، در بغداد به طرز بی‌رحمانه‌ای کشته شد (۲۲۳ق).</p>	<p>جنبش بابک</p>



فعالیت ۳

مطالب جدول بالا را به دقت بخوانید و پاسخ پرسش‌های زیر را از آن استخراج و استنباط نمایید.

- ۱— از نظر دینی و مذهبی، جنبش‌های مذکور چه وجه مشترکی داشتند؟
- ۲— به لحاظ سیاسی، نکته مشترک جنبش‌های فوق چیست؟ این نکته بر چه مسئله اجتماعی دلالت دارد؟



گروش ایرانیان به اسلام

چگونگی و چرایی مسلمان شدن ایرانیان، یکی از موضوع‌های مهم و جذاب تاریخ ایران در دوران اسلامی به شمار می‌رود. اطلاعات تاریخی زیادی درباره این موضوع وجود ندارد، اما مورخان بر پایه برخی شواهد و مدارک، آگاهی‌هایی را در خصوص این موضوع استنباط و کسب کرده‌اند.



فکر کنیم و پاسخ دهیم

از صلح‌نامه‌هایی که میان ایرانیان و اعراب مسلمان در جریان فتح ایران منعقد شد، چه اطلاعاتی را می‌توان درباره روند اسلام‌پذیری مردم ایران کسب کرد؟

روند اسلام آوردن مردم ایران

شواهد و مستندات تاریخی دلالت بر آن دارد که روند گروش ایرانیان به اسلام تدریجی بوده است. اگرچه بیشتر شهرها و مناطق ایران در کمتر از ۲۰ سال به تسخیر اعراب مسلمان درآمد، اما روند پذیرش اسلام، چندین قرن به طول انجامید.

از اشاره‌های کوتاه منابع تاریخی می‌توان فهمید که در خلال فتح ایران، شمار ناچیزی از ایرانیان به اسلام گرویدند. تعدادی از دهقانان و دیگر بزرگان محلی و دسته‌هایی از جنگاوران از جمله گروه‌هایی بودند که در جریان فتح ایران مسلمان شدند. برای نمونه در جنگ قادسیه دسته‌ای از سپاه ساسانیان به دین اسلام درآمدند و به اعراب پیوستند. ساکنان پادگان شهر قزوین نیز همگی یکجا مسلمان شدند.



مسجد فهرج - یزد

در دوران خلافت بنی‌امیه نیز روند پذیرش اسلام در ایران کند بود. رفتار غیراسلامی برخی از حاکمان اموی، محدودیت‌ها و موانعی را بر سر راه گروش به اسلام ایجاد کرد. قراردادن مسلمانان غیرعرب همچون مسلمانان ایرانی در ردیف موالی و محروم کردن آنان از پاره‌ای حقوق اجتماعی و نیز گرفتن جزیه از نو مسلمانان، از جمله این رفتارها بود.

به دنبال بهبود موقعیت سیاسی و اجتماعی ایرانیان در عصر خلافت عباسیان، گرایش به اسلام در ایران شتاب گرفت و سرانجام با روی کار آمدن سلسله‌های ایرانی در گوشه و کنار کشور، اکثریت ایرانیان مسلمان شدند.

بررسی شواهد و مدارک

متن زیر را بخوانید و توضیح دهید که چه برداشتی از آن دربارهٔ روند مسلمان شدن ایرانیان در فارس دارید؟ ابواسحاق ابراهیم‌بن محمد اصطخری (استخری) (د ۳۴۶ق) از مردم استخر فارس در کتاب جغرافیایی مسالک و ممالک در خصوص دین مردم فارس می‌نویسد: «در پارس گبرکان^۱ و ترساآن^۲ و جُهودان^۳ باشند، و غلبه گبرکان دارند. و جهودان اندکی باشند، و کتاب‌های گبرکان و آتشکده‌ها و آداب گبرکی هنوز در میان پارسیان هست. و به هیچ ولایت اسلام چندان گبر نباشد کی در ولایت پارس — کی دار مُلک ایشان بودست» (ص ۱۲۱).

۱- زرتشتیان ۲- مسیحیان ۳- یهودیان

عوامل مؤثر بر اسلام آوردن مردم ایران

پ) مهاجرت گستردهٔ اعراب مسلمان به ایران، زمینه‌ساز آشنایی تدریجی ایرانیان با اسلام و گرویدن به آن شد. سادات علوی و شیعیانی که برای نجات از ظلم امویان و عباسیان به میهن مانده بودند، نقش مهمی در این زمینه داشتند. ساکنان شهر قم و نیز کثیری از مردم مازندران و گیلان در نتیجهٔ مهاجرت گروهی از شیعیان و علویان به دیار آنان با اسلام آشنا و مسلمان شدند. حضور امام رضا (ع) و امامزادگان در ایران نیز بر توجه و گرایش اجدا ما به اسلام تأثیر داشت.

الف) اسلام دینی جهانی است و پیام‌های جذابی برای تمام مردم جهان دارد. پیام برادری و برابری اسلام و سادگی مناسک و آداب اسلامی، از جمله جذابیت‌های این دین برای ایرانیان بود. ب) از آنجایی که ساکنان ایران خواه زرتشتی و خواه مسیحی و یهودی، یکتاپرست و معتقد به بهشت و جهنم و ظهور منجی بودند، بنابراین، درک و پذیرش جهان‌بینی توحیدی و پیام مکتب اسلام، برای آنان چندان دشوار و ناخوشایند نبود.



ضریح حرم حضرت معصومه علیهاالسلام - قم



حرم حضرت شاه چراغ علیه‌السلام - شیراز

کاوش خارج از کلاس

با راهنمایی دبیر تحقیق کنید که سنت جشن نوروز در دوران اسلامی چه شباهت و تفاوتی با دوران باستان داشته است؟

پرسش‌های نمونه

- ۱ زمینه‌های سیاسی شکست حکومت ساسانیان از اعراب مسلمان را شرح دهید.
- ۲ روند فتح ایران پس از جنگ نهاوند، چگونه پیش رفت؟
- ۳ علل جنبش‌های اجتماعی و سیاسی ایرانیان را در دوران خلافت امویان توضیح دهید.
- ۴ چرا روند گروش ایرانیان به اسلام در سده نخست هجری کند بود؟
- ۵ منابع تاریخی که در این درس مورد استناد قرار گرفته است، فهرست نمایید.
- ۶ نمودار خط زمان دو قرن اول هجری را ترسیم نمایید و رویدادهایی را که در این درس به آنها اشاره شده است، بر روی آن نشان دهید.

از آغاز قرن سوم تا نیمه قرن پنجم هجری، چندین حکومت در ایران سر بر آوردند. در این دوره مناطق مختلف ایران به تدریج از زیر سلطه مستقیم خلافت عباسی خارج شد و تمدن ایرانی - اسلامی به اوج گسترش و شکوفایی رسید. در این درس، شما با جست‌وجو و ارزیابی شواهد و مدارک تاریخی، جنبه‌های مختلف سیاسی، علمی و فرهنگی و اقتصادی تمدن مذکور را شناسایی و بررسی خواهید کرد.



سلسله‌های ایرانی

بحث و گفت‌وگو

با توجه به اینکه نخستین سلسله مسلمان ایرانی یعنی طاهریان در خراسان شکل گرفت، با راهنمایی دبیر و با توجه به مطالبی که در درس‌های قبل خوانده‌اید، درباره جایگاه و اهمیت سیاسی و اجتماعی خراسان در ایران و نقشی که خراسانیان در تحولات سیاسی قلمرو خلافت داشتند، بحث و گفت‌وگو کنید.



فعالیت‌ها و مبارزات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایرانیان در دوسده نخست هجری، زمینه را برای شکل‌گیری سلسله‌های ایرانی و در پی آن تغییر اوضاع سیاسی ایران در سده‌های سوم و چهارم هجری فراهم آورد. سرآغاز این تغییر، هنگامی بود که طاهر ذوالیمینین^۱ از سوی مأمون، خلیفه عباسی به حکومت خراسان منصوب شد (۲۰۵ ق). تشدید جنبش‌های ضد خلافت در ایران، مأمون را متوجه این نکته کرد که باید تغییری در شیوه اداره قلمرو خلافت ایجاد کند؛ از این رو، حکومت خراسان را به طاهر، سردار ایرانی و خراسانی خود داد. پس از طاهر، حکومت خراسان در خاندان او موروثی شد و بدین گونه نخستین سلسله مسلمان ایرانی شکل گرفت. به دنبال طاهریان، سلسله‌های حکومتی دیگری در گوشه و کنار ایران روی کار آمدند. صفاریان، سامانیان، علویان طبرستان، زیاریان و آل بویه از جمله این سلسله‌ها به شمار می‌روند. البته بیشتر این سلسله‌ها بر بخش کوچکی از ایران فرمان می‌راندند و از میان آنها فقط آل بویه بر بخش‌های وسیعی از مرکز، جنوب، شمال و غرب ایران و عراق حکومت کردند.



نقشه قلمرو آل بویه

۱- طاهر به دلیل مهارت ویژه‌ای که در شمشیرزنی با هر دو دست داشت به ذوالیمینین به معنای دارنده دو دست راست، معروف شد.

سلسله‌های مسلمان ایرانی در سده‌های سوم، چهارم و پنجم هجری

دوره حکومت	طاهریان	علویان طبرستان	صفاریان	سامانیان	زباریان	آل بویه	روادیان	آل حسنویه
دوره حکومت	۲۰۵-۲۵۹ق	۲۵۰-۳۱۶ق	۲۴۷-۳۹۴ق	۲۰۴-۳۹۵ق	۳۱۹-۴۸۳ق	۳۲۰-۴۵۴ق	قرن ۴ ق	۳۴۸-۴۰۵ق
مؤسس	طا هر ذوالیمینین	حسن بن زید	یعقوب لیث صفاری	امیر اسماعیل سامانی	مرداویج زباری	پسران بویه: علی، حسن و احمد	محمد بن حسن رودی	حسنیه کردی
محدوده قلمرو	خراسان و سیستان	طبرستان و گرگان	سیستان ^۱	خراسان و ماوراءالنهر	طبرستان و گرگان ^۲	شمال، جنوب، غرب ایران و عراق	آذربایجان	کردستان، کرمانشاه، همدان و لرستان
مرکز	مرو؛ نیشابور	آمل	زرنگ (زرنج)	بخارا	اصفهان؛ گرگان	ری؛ شیراز؛ بغداد	تبریز	دژ سراج در نزدیکی بیستون

p 0036

فعالیت ۱

ترسیم نمودار خط زمان

با توجه به مندرجات جدول بالا، نمودار خط زمان تاریخ ایران را در سده‌های سوم تا پنجم هجری ترسیم نمایید.

p 0037

حکومت می‌کردند، از نظر خاستگاه اجتماعی و جغرافیایی، نحوه به قدرت رسیدن، و نوع رابطه‌ای که با خلافت عباسی برقرار کردند، تفاوت محسوسی داشتند.

خاستگاه اجتماعی و جغرافیایی

سلسله‌های طاهریان و سامانیان، ریشه در خاندان‌های کهن دهقانی منطقه خراسان و ماوراءالنهر داشتند. در واقع این دو سلسله را دودمان‌های زمینداری پایه‌گذاری کردند که از قدرت و نفوذ اقتصادی و پشتوانه اجتماعی و فرهنگی قابل ملاحظه‌ای در دیار

تأسیس حکومت‌های مذکور، به لحاظ سیاسی یک پیامد مشترک و مهم داشت و آن کاهش و زوال تدریجی تسلط سیاسی خلفای عباسی بر مناطق مختلف میهن ما بود. حتی در دوره حکومت آل بویه، بغداد بیش از یک قرن تحت سلطه امیران آل بویه قرار گرفت و آنان علاوه بر عزل و نصب خلیفه، قدرت و نفوذ او را نیز محدود کردند. با این حال، بسیاری از این حکومت‌ها، رقیب و دشمن یکدیگر نیز بودند و در دوران فرمانروایی آنان، جنگ‌های داخلی فراوانی صورت گرفت و آسیب زیادی به ایران و ایرانیان وارد کرد. سلسله‌های حکومتی که در قرن‌های سوم تا پنجم هجری بر ایران

p 0038

p 0039

۱- دامنه قدرت صفاریان در زمان یعقوب لیث و برادر و جانشین او عمرو به مناطق وسیعی از شرق، جنوب و مرکز ایران می‌رسید.
۲- قلمرو زباریان در دوران کوتاه حکومت مرداویج (۳۱۹-۳۲۳ق) شامل مناطق وسیعی از مرکز، شمال، جنوب و غرب ایران می‌شد.

خود برخوردار بودند. دهقانان در سده‌های نخستین هجری، علاوه بر مشارکت در امور محلی، نقش مهمی در حفظ و انتقال فرهنگ ایرانی از دوره باستان به دوره اسلامی ایفا کردند.

حسن‌بن زید، بنیانگذار حکومت علویان طبرستان و جانشینان او از سادات علوی شیعه مذهب به شمار می‌رفتند که برای رهایی از ستم خلفای عباسی به ایران و به ویژه منطقه طبرستان پناه آورده بودند. سادات علوی نقش مؤثری در ترویج اسلام در میان ایرانیان به ویژه ساکنان طبرستان، دیلم و گیلان داشتند و با رفتار و اخلاق پسندیده خود مورد اعتماد توده‌های مردم قرار گرفتند.

برخی از بنیانگذاران نخستین سلسله‌های مسلمان ایرانی، از میان مردم عادی برخاستند و قدرت را به دست گرفتند. یعقوب لیث صفاری، رویگرزاده‌ای از دهی به نام قرنین در سیستان بود. او فعالیت اجتماعی و سیاسی خود را با شرکت در گروه عیاران و جوانمردان سیستان و جنگ علیه خوارج آنجا آغاز کرد.

بیشتر بدانیم



رویگرزاده عیارپیشه



«در سیستان آن عهد، خاطرۀ پهلوانی‌های خاندان زال و سام نریمان در افواه بود و حتی آخورگاه رخس، اسب افسانه‌ای رستم داستانی را در آن جا ازادگاه یعقوب نشان می‌دادند و این نکته رواج قصه‌های پهلوانی عهد کیانی را در آن ایام همچنان قابل ملاحظه نشان می‌داد و جوانان و پهلوانان شهر را البته تحت تأثیر قرار می‌داد.

در چنین محیطی و احوالی، خاطر رویگرزاده پهلوان و عیارپیشه قرنین از تأثیر قصه‌های رستم و جنگجویی‌های پهلوانی او متأثر بود و تحت تأثیر همین احوال بود که او از همان ایام جوانی، پُتک و چکش رویگری را کنار نهاد و آن را به شمشیر و سلیح جنگاوری تبدیل کرد. در آغاز کار، به راهزنی افتاد، اما شیوه عیاری او را از تعدی در حق فقرا و مظلومان مانع آمد و از او یک پهلوان مردمی،

مردم‌پسند و محبوب ساخت. پسر لیث با دسته کوچک عیاران خود که آوازه سخاوت و جلالت و فتوتش، تعداد آنها را هر روز بر گردوی می‌افزود، توانست در بین دسته‌های غازیان و مطوعه^۱ محلی حیثیت و اعتبار قابل ملاحظه‌ای کسب کند. ... چون رهبری جنگجویان ضد خوارج به عهده او افتاد، تدریجاً در دفع آشوب‌های محلی هم توفیق یافت و این توفیق اهالی سیستان را به فرمانبرداری از او، و حمایت و تشویق او الزام کرد» (زرین کوب، روزگاران، تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، صفحه ۳۷۳-۳۷۴).

۱- به جنگاورانی که داوطلبانه در مناطق مرزی برای جهاد با کافران حضور می‌یافتند، مطوعه گفته می‌شد.

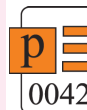


سلسله آل‌بویه را پسران ابوشجاع بویه (علی، حسن و احمد) از اهالی دیلم تأسیس کردند. بویه شغل صیادی را رها کرد و به همراه پسرانش حرفه نظامی را برگزید و به خدمت سرداران دیلمی درآمد.



فکر کنیم و پاسخ دهیم

نسب بیشتر بنیانگذاران سلسله‌های مسلمان ایرانی از جمله طاهریان، سامانیان، صفاریان، آل‌بویه و زیاریان را به یکی از شاهان و سرداران ساسانی از قبیل خسرو انوشیروان، خسرو پرویز و بهرام چوبین و یا پهلوانان اساطیری مانند رستم رسانده‌اند. به نظر شما دلیل این نسب‌سازی چه بوده است؟





بسی رنج بردم درین سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی

در عصر سامانیان زبان و ادب فارسی اوج گرفت. امیران و وزیران ایران‌گرا و فرهنگ‌پرور سامانی زحمات فراوانی برای ترویج این زبان کشیدند. آنان شاعران و نویسندگان فارسی‌گو را تشویق و حمایت می‌کردند. رودکی پدر شعر فارسی در این زمان می‌زیست و مورد حمایت دربار سامانی بود. حکیم ابوالقاسم فردوسی نیز در اواخر دوره سامانی شروع به سرودن شاهنامه کرد. او پس از سقوط سامانیان، شاهنامه را به سلطان محمود غزنوی تقدیم کرد، اما این سلطان، قدر خدمت این شاعر بزرگ را ندانست و این شاعر آزاده را آزرده خاطر ساخت.



کاوش خارج از کلاس

شاهنامه

با استفاده از منابع و محتوایی که دبیر در اختیار شما قرار می‌دهد، درباره زندگی و اقدامات فرهنگی حکیم ابوالقاسم فردوسی تحقیق کنید و به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

- ۱- فردوسی چه جایگاه و موقعیت اجتماعی در روزگار خود داشت؟
- ۲- پیش از فردوسی چه اقدام‌هایی برای گردآوری و سرودن شاهنامه صورت گرفته بود؟
- ۳- انگیزه فردوسی از سرودن شاهنامه چه بوده است؟
- ۴- مهم‌ترین آثار و نتایج فرهنگی و اجتماعی سرودن شاهنامه چیست؟



تصویر روی جلد تاریخ بلعمی

علاوه بر آن، در دوره سامانیان، زبان فارسی به عنوان زبان علم و دین در کنار زبان عربی قرار گرفت و چندین اثر علمی و دینی به فارسی تألیف و یا ترجمه شد. ترجمه و تلخیص تاریخ طبری با عنوان تاریخ بلعمی، ترجمه تفسیر طبری بر قرآن از آن جمله‌اند. همچنین در آن دوره، نخستین کتاب جغرافیایی به زبان فارسی با عنوان حدودالعالم من المشرق الی المغرب نگارش یافت.





علم و آموزش

بیشتر خواندید که در دو قرن نخست هجری، ایرانیان نقش فعالی در تحولات جهان اسلام به ویژه تحولات علمی، فکری و فرهنگی ایفا کردند. نگاهی به تاریخ علم در حوزه تمدن اسلامی به روشنی حکایت از آن دارد که عالمان و اندیشمندان ایرانی در تدوین بسیاری از رشته‌های گوناگون علوم پیشگام بوده‌اند و در رشد و گسترش آن علوم نقشی اساسی داشته‌اند.

در پی روی کار آمدن سلسله‌های ایرانی در سده‌های سوم تا پنجم هجری، فعالیت‌های علمی و فکری ایرانیان دو چندان شد، در آن دوره دانشمندان بزرگی پا به عرصه نهادند، آثار علمی برجسته‌ای

را پدید آوردند و روش‌های علمی تازه‌ای ابداع کردند. بدون شک، سلسله‌های ایرانی به ویژه سامانیان و آل‌بویه سهم به‌سزایی در رونق و شکوفایی علمی و فرهنگی عصر خود داشتند. امیران و وزیران فرهنگ‌پرور این سلسله‌ها، از یک سو، از اندیشمندان و عالمان را مورد حمایت مادی و معنوی می‌کردند و از سوی دیگر، با اتخاذ سیاست مدارای سیاسی و فرهنگی و اجتناب از تعصب و تنگ‌نظری، شرایطی را فراهم آوردند که اهل علم و اندیشمندان پیرو مذاهب مختلف اسلام و دیگر دین‌های توحیدی در امنیت و آسایش کامل، به فعالیت بپردازند.



بحث و گفت‌وگو

درباره اهمیت سیاست مدارای سیاسی و فرهنگی حکومت‌ها و تأثیر آن در رشد و نشاط علمی جامعه مباحثه و گفت‌وگو کنید.



در سده‌های نخستین هجری، مساجد مهم‌ترین مراکز آموزشی بودند و در مساجد بیشتر شهرهای ایران حلقه‌های درس بزرگی تشکیل می‌شد. به تدریج مدرسه‌هایی هم در شهرهای بزرگ به وجود آمد. از

تجربیات و نهادهای آموزشی دوره باستان نیز استفاده می‌شد. مدرسه پزشکی جندی‌شاپور که در زمان ساسانیان آغاز به کار کرده بود، همچنان تا قرن سوم هجری به فعالیت خود ادامه داد.



بیشتر بدانیم

کتابخانه صاحب‌بن عباد

به همت صاحب‌بن عباد، وزیر ادیب و دانشمند آل‌بویه، کتابخانه بزرگی در ری شکل گرفت. تعداد کتاب‌های این کتابخانه را بیشتر از ۱۰۰ هزار جلد نوشته‌اند. هیچ یک از پادشاهان و وزراء، کتابخانه‌ای به عظمت کتابخانه او نداشته‌اند. گفته‌اند فهرست کتاب‌های آن کتابخانه خود ده جلد بود. پیش از صاحب، فرمانروایان و سیاستمداران معمولاً کتاب‌های خود را در گنجینه‌ای می‌نهادند و به شیفتگان کتاب و اهل علم اجازه استفاده از آنها را نمی‌دادند، اما صاحب، درهای کتابخانه خود را به روی دانش‌پژوهان و عموم طالبان علم باز گذاشت.



معارف اسلامی

ایرانیان از گذشته‌های دور به خردورزی و علم‌دوستی شهرت داشتند. از همان ابتدای ورود اسلام به ایران، برخی از ایرانیانی که مسلمان شدند، به تدوین و ترویج معارف اسلامی، شامل علوم قرآنی،

حدیث، فقه و کلام اهتمام ورزیدند. پس از آنکه در سده‌های سوم و چهارم هجری جمعیت کثیری از مردم ایران مسلمان شدند، توجه به علوم و معارف اسلامی فزونی یافت.

برجسته‌ترین مفسران، محدثان، فقیهان و متکلمان ایرانی در سده‌های نخستین هجری

علم	عالم	دوره زندگی	آثار و تألیفات
تفسیر	محمد بن جریر طبری محمد بن حسن توسی (شیخ توسی)	۲۲۴. آمل — ۳۱۰ ق. بغداد ۳۸۵. توس — ۴۶۰ ق. نجف	جامع البیان فی تفسیر القرآن تفسیر تبیان
حدیث	محمد بن اسماعیل بخاری مسلم بن حجاج نیشابوری محمد بن یعقوب کلینی محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)	۱۹۴. بخارا — ۲۵۶ ق. سمرقند ؟. نیشابور — ۲۶۱ ق. نیشابور ۲۵۵. کلین شهر ری — ۳۲۹ ق. بغداد ۳۰۵. قم — ۳۸۱ ق. شهر ری	صحیح بخاری، معتبرترین کتاب حدیث نزد اهل تسنن صحیح مسلم، معتبرترین کتاب حدیث پس از صحیح بخاری کتاب الکافی، شامل یک دوره حدیث شیعه کتاب من لایحضره الفقیه، شامل ۵۹۲۰ حدیث شیعه
فقه	ابو حنیفه نعمان بن ثابت مرزبان محمد بن حسن توسی (شیخ توسی)	۸۰. کوفه — ۱۵۰ ق. بغداد ۳۸۵. توس — ۴۶۰ ق. نجف	پایه‌گذار مذهب حنفی از مذاهب چهارگانه اهل سنت کتاب‌های النهایه و مبسوط
کلام	حسن بصری فضل بن ابوسهل بن نوبخت	۲۱. مدینه — ۱۱۰ ق. بصره ۲۳۷ ق. بغداد — ۳۱۱ ق. ؟	متکلم، مفسر، محدث، واعظ، فقیه متکلم شیعه مذهب



فلسفه

و درمان بیماران مشغول بود. این اندیشمند بزرگ ایرانی، در طول زندگی خود بیش از ۱۰۰ اثر علمی برجا گذاشت که نیمی از آنها در موضوع فلسفه و نیمی در علوم دیگر است. علاوه بر آن، دهها اثر دیگر نیز به وی منسوب است. کتاب شفا یکی از بزرگ‌ترین دائرةالمعارف‌های علمی است که به دست یک تن نوشته شده است و در آن، علاوه بر فلسفه، به علوم طبیعی و ریاضی نیز پرداخته شده است. ابن سینا برای نخستین بار در دانشنامه‌ی علایی یک دوره فلسفه را به زبان فارسی تألیف کرد و این اثر، سهم به‌سزایی در مطرح کردن زبان فارسی به عنوان زبان علم داشت.

تصویر روی جلد دانشنامه علایی

در طول تاریخ کهن ایران، فلسفه همواره با فرهنگ این سرزمین عجیب بوده و حضور آن در تمامی اعصار آن تاریخ آشکار است. در ایران دوران اسلامی، فلسفه از شکوفایی فوق‌العاده‌ای برخوردار شد و فیلسوفان ایرانی نقش برجسته‌ای در ایجاد و اشاعه‌ی مکتب‌های مهم فلسفی در جهان اسلام ایفا کردند.

ابونصر محمد بن محمد، معروف به فارابی (۲۵۷-۳۳۸ ق) فیلسوف بزرگ ایرانی که از خراسان به بغداد رفت و سپس در دمشق سکونت گزید، فلسفه‌ی مشایی را که تلفیقی از جهان‌بینی اسلام و فلسفه‌ی ارسطویی و نوافلاطونی بود، پایه‌گذاری کرد. در سنت فلسفه‌ی اسلامی، فارابی را بعد از ارسطو که ملقب به معلم اول است، معلم دوم می‌خوانند. ابن سینا او را استاد خود دانسته و ابن رشد و دیگر فیلسوفان احترام زیادی برای او قائل شده‌اند.

بدون شک، برجسته‌ترین فیلسوف ایران و جهان اسلام کسی نیست جز ابوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق) که فلسفه‌ی مشایی را به کمال رسانید. ابن سینا پس از مهاجرت از زادگاهش بخارا، در شهرهای مختلف ایران به خصوص ری، اصفهان و همدان به فعالیت علمی





ابن مسکویه رازی



احمد بن محمد مسکویه رازی (۳۲۰-۴۲۰ق)، فیلسوف، ادیب، مورخ و منشی دربار آل بویه. مسکویه، در رشته‌های گوناگون تاریخ، علم کلام، فلسفه و پزشکی تبحر داشت. او به کیمیاگری و علوم غریبه علاقمند بود. وی سال‌ها مصاحب و ندیم امیران آل بویه در بغداد و ری بود. بسیاری از نویسندگان متاخر، ابوعلی مسکویه را بر مذهب شیعه دانسته‌اند. تجارب الامم در علم تاریخ و تهذیب الاخلاق در علم اخلاق از مهم‌ترین آثار اوست.

ریاضیات و نجوم



– اسلامی، ابوریحان محمد بن احمد بیرونی (۳۶۲). خوارزم
– ۴۴۰ق. غزنه) است. بیرونی در ریاضیات، نجوم، گاه‌شماری،
جغرافیا، هندشناسی و... مقام شامخ داشت و به زبان‌های فارسی،
عربی و سانسکریت مسلط بود. وی آثار ارزنده‌ای در این زمینه
تألیف کرد. ابزارها و روش‌های ابداعی او برای تعیین عرض و طول
جغرافیایی و اندازه‌گیری فاصله میان شهرها حالب است.

ریاضی و نجوم نیز از جمله علمی بودند که در دوران اسلامی به
پشتوانه دانش و مهارت‌هایی که از تمدن ایران باستان و سایر تمدن‌های
باستانی به تمدن اسلامی انتقال یافت، پیشرفت خارق‌العاده‌ای کرد.
تعداد قابل توجهی از ریاضی‌دانان و منجمان ایرانی را می‌شناسیم که به
خدمت عباسیان درآمدند و در رصدخانه بغداد مشغول فعالیت شدند.
بدون تردید یکی از برجسته‌ترین دانشمندان عصر طلایی تمدن ایرانی

ریاضی‌دانان و منجمان نامی ایران در سده‌های دوم تا پنجم هجری

آثار و ابداعات	دانشمند
یکی از برجسته‌ترین ریاضی‌دانان مسلمان که نخستین کتاب‌های جبر و ریاضیات دوره اسلامی را نوشت. یکی از مشهورترین منجمان دربار مأمون و معتصم که سه زیج ^۱ تألیف کرد. شارح کتاب اصول اقلیدس، او وسیله‌ای جالب و دقیق برای اندازه‌گیری ابعاد و ارتفاع اجسام دور از دسترس اختراع کرد.	محمد بن موسی خوارزمی (د ۲۵۰ق) احمد بن عبدالله مروزی فضل بن حاتم نیریزی (د ۳۱۰ق) عبدالرحمان صوفی رازی (د ۳۷۶ق)
رصد هایش که در کتاب صورالکواکب او مندرج است، یکی از سه شاهکار نجوم رصدی مسلمانان به شمار می‌رود. ریاضی‌دان بزرگ ایرانی که در پیشرفت علم مثلثات سهم به‌سزایی داشت. ریاضی‌دان و منجم دوره آل بویه که به گفته بیرونی یگانه عصر خویش در ساختن اُسْطُراب و ابزارهای نجومی بود. سرپرستی منجمان رصدخانه آل بویه در بغداد را بر عهده داشت. ریاضی‌دان سده‌های چهارم و پنجم هجری که کتاب المقنع فی الحساب الهندی را به فارسی و سپس عربی نوشت. بیشتر آثار او به زبان لاتینی و زبان‌های امروز اروپایی ترجمه شده است.	ابوالوفا بوزجانی (۲۲۸ — ۳۸۸ق) حامد بن خضر خجندی ابوسهل بیژن بن رستم کوهی ابوالحسن علی بن احمد نسوی



(د پس از ۱۵۲ق) رئیس مدرسه جندی‌شاپور پزشک پرآوازه ایرانی
به بغداد رفت و به دنبال او گروه دیگری از پزشکان آن مرکز علمی
راهی مرکز خلافت عباسی شدند.
محمد زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ق) پزشک، شیمی‌دان و فیلسوف

پزشکی و داروسازی



دانش و سنت پزشکی ایران باستان از طریق مدرسه جندی‌شاپور
به دوره اسلامی انتقال یافت و نخستین آثار مستقل پزشکی عصر
اسلامی به دست استادان آن مدرسه نوشته شد. جرجیس بن جبرائیل



۱- زیج معرب زیگ است و آن کتابی باشد که منجمان احوال و حرکات افلاک و کواکب را از آن معلوم کنند. همچنین عنوان علمی است در اصول احکام علم نجوم و هیئت که تقویم از آن استخراج کنند (لغت‌نامه دهخدا).

تصویر روی جلد کتاب الحاوی

ایرانی که آثار ماندگاری در زمینه پزشکی و شیمی و فلسفه نوشته و به عنوان کاشف الکل و جوهر گوگرد (اسید سولفوریک) مشهور شده است. به گفته جرج سارتن، پدر تاریخ علم، رازی «بزرگ‌ترین پزشک اسلام و قرون وسطی^۱ بود». رسالهٔ آبله و سُرخک (الجدری و الحصبة) او کهن‌ترین توصیف آبله و شکاهکاری در علم پزشکی به شمار می‌رود.

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران تاریخ علم، ابن‌سینا یکی از بزرگ‌ترین پزشکان همهٔ اعصار به شمار می‌رود. دائرةالمعارف پزشکی او با عنوان قانون، نه فقط در ایران و دنیای اسلام، که در اروپا نیز تا سده‌های متمادی به عنوان عالی‌ترین منبع و مرجع پزشکی باقی ماند.

کتاب الحاوی یک دائرةالمعارف بزرگ پزشکی است که روزگار درازی مرجع بلامنازعه‌ای در پزشکی بود.

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران تاریخ علم، ابن‌سینا یکی از بزرگ‌ترین پزشکان همهٔ اعصار به شمار می‌رود. دائرةالمعارف پزشکی او با عنوان قانون، نه فقط در ایران و دنیای اسلام، که در اروپا نیز تا سده‌های متمادی به عنوان عالی‌ترین منبع و مرجع پزشکی باقی ماند.



بیشتر بدانیم



کتاب الابنیه عن الحقایق الادویه، اثری است کهن به زبان فارسی در علم داروسازی و داروشناسی که توسط ابومنصور علی‌بن موفق هروی، پزشک و داروشناس ایرانی که در سده‌های چهارم و پنجم هجری می‌زیسته، نوشته شده است. این کتاب حاوی خلاصه‌ای کلی و ارزشمند دربارهٔ داروشناسی است. نویسنده در نگارش این کتاب از قانون ابن‌سینا بهره برده، اما ذکری از آن کرده است.



سایر علوم و فنون

باستان، در ساختن برخی ابزارهای جنگی و اموری مانند حفر قنات و آبراه و ایجاد بناهای مختلف مانند مساجد، پل‌ها و سدها چیره دست بودند. دانش و مهارت‌های ایرانیان باستان در حوزه هنر و صنعت به شکل‌های مختلف به دوران اسلامی منتقل شد.

علاوه بر آنچه بیان شد، رشته‌های دیگر علمی مانند تاریخ، جغرافیا، ادبیات، فیزیک، شیمی، مهندسی و غیره نیز رایج و پررونق بود. ایرانیان مسلمان همچنین به اتکای تجربیات اجدادشان در دوران



بحث و گفت‌وگو

با توجه به مطالعه و کاوشی که در این درس انجام دادید، دربارهٔ درستی یا نادرستی اطلاق عبارت «عصر طلایی» به سده‌های سوم تا پنجم هجری تاریخ ایران، بحث کنید و دلایل خود را در تأیید یا رد این موضوع بیان نمایید.



توسعه دریانوردی و تجارت دریایی



یادآوری

در عصر باستان ایرانیان حضوری گسترده و فعال در دریاهای شمال و جنوب فلات ایران و آب‌های آزاد داشتند. در آن دوران کشتی‌های ایرانی در مسیرهای دور و نزدیک دریایی در رفت و آمد بودند، صنایع دریایی از جمله کشتی‌سازی پیشرفت زیادی کرد و دریانوردان ایرانی دانش و تجربه گران‌بهایی اندوختند. کشف بادهای موسمی تحولی بزرگ در دریانوردی راه دور ایران در دوران باستان به شمار می‌رفت.



به هنگام سقوط ساسانیان بنادر ایرانی در سواحل خلیج فارس، دریای عمان^۱ و دریای سرخ، آباد و پررونق بودند. در قرون نخستین هجری در نتیجه گسترش و یکپارچگی جغرافیای جهان اسلام، دریانوردی و تجارت دریایی توسعه چشمگیری یافت. در آن زمان دریانوردان و بازرگانان ایرانی به اتکای دانش و تجربیات فراوانی که در این زمینه داشتند، همچون گذشته به فعالیت خود ادامه دادند. طی این سده‌ها، تجارت دریایی خلیج فارس با هندوستان، چین، جنوب شرقی آسیا و حوزه شرق آفریقا گسترش یافت و اسلام توسط بازرگانان و دریانوردان ایرانی به سرزمین‌های مذکور راه یافت. در سده‌های سوم تا پنجم هجری، مراکز شهری در سواحل و پس کرانه‌های خلیج فارس رونق یافتند و بندر سیراف به مثابه یکی از کانون‌های اصلی مبادلات اقتصادی منطقه‌ای و جهانی تثبیت شد.

بیشتر بدانیم



دانش دریانوردی

دریانوردان ایرانی با نوشتن کتاب‌هایی با عنوان رهنامه که در حکم راهنمای سفرهای دریایی بود، مجموعه‌ای از دانستنی‌های دریایی را ثبت و ضبط می‌کرده‌اند. اطلاعاتی از قبیل بادهای موسمی و جهت وزش آن، نحوه تعیین موقعیت‌های دریایی، نحوه تعیین فواصل دریایی، نحوه استقرار بادبان‌ها در موقعیت‌های گوناگون، جهت‌یابی دریایی در شب و روز، شناسایی موقعیت ستارگان در شب، مسیرهایی دریایی و موانع آن، بنادر و جزایر مشهور و نقشه‌های دریایی (اطلس تاریخ بنادر و دریانوردی ایران، ج ۲، صفحه ۳۴۸).

تصویر نقاشی کشتی روان بر روی آب از کتاب مقامات حریری

۱- بندر اُبله در نزدیکی بصره کنونی و بندرهای مَهرِوبان، سَینیز، گناوه، ریشهر (ریواردشیر) و سیراف در سواحل استان بوشهر کنونی و بندر نَابند (ناوبند) در سواحل استان هرمزگان کنونی و بندرهای قُلَهاات و صُحار در سواحل کشور کنونی عمان از جمله بندرهای ایرانی در خلیج فارس و دریای عمان بودند.

پرسش‌های نمونه

- ۱ زمینه‌های سیاسی و اجتماعی شکل‌گیری حکومت‌های ایرانی را در سده‌های سوم و چهارم هجری توضیح دهید.
- ۲ حکومت‌های طاهریان و سامانیان را با سلسله‌های صفاریان و زبیریان از نظر نحوهٔ به قدرت رسیدن و نوع رابطه با خلافت عباسی مقایسه کنید.
- ۳ زمینه‌ها و عوامل سیاسی را که در پیشرفت و شکوفایی تمدن ایرانی — اسلامی در سده‌های سوم تا پنجم هجری تأثیر داشت، شرح دهید.
- ۴ به نظر شما آیا دانشمندان و عالمان ایرانی در سده‌های سوم تا پنجم فقط در دانش نظری پیشرفت کردند؟ و یا این که این دانش را تبدیل به مهارت و کار عملی کردند؟ برای نظر خود دلیل و مثال بیاورید.
- ۵ منابع تاریخی که در این درس به آنها استناد شده است را فهرست نمایید.

از اواخر قرن چهارم تا زمان حمله مغول سه سلسله غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان بر بخش‌هایی و گاه بر سراسر ایران حکومت کردند. در این دوره ایران تحولات سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مهمی را تجربه کرد. در این درس شما با بررسی شواهد و مدارک مختلف تاریخی، علل، آثار و نتایج تحولات مذکور را مورد بررسی قرار می‌دهید.

تحولات سیاسی

فکر کنیم و پاسخ دهیم

با راهنمایی دبیر و همفکری، توضیح دهید چه عاملی نقش مهمی در ورود ایران به دوران غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان داشت؟

غزنویان

محمود فرزند سبکتگین و نوه الپتگین که سپهسالار سامانیان در خراسان بود، در شهر غزنه حکومتی مستقل تأسیس کرد که در تاریخ ایران به حکومت «غزنویان» مشهور است. وی سپس به تدریج بر تمامی نواحی خراسان و بخشی از قلمرو سامانیان سلطه یافت. محمود همچون دیگر فرمانروایان هم‌عصر خود، از ابتدای تأسیس حکومت خود در پی کسب حمایت خلیفه عباسی، القادر بالله، برآمد. او بسیاری از اقدامات سیاسی مذهبی خود را در پوشش جهاد در راه خدا (غزا) و به بهانه مبارزه با مخالفان خلافت عباسی انجام می‌داد. به همین دلیل به ری که تحت حاکمیت آل بویه شیعه مذهب بود، حمله برد (۴۲۰ق) و پس از تصرف آن بسیاری از علما و مردم شهر را به بهانه اسماعیلی بودن به قتل رساند و کتابخانه مهم آن‌جا را به بهانه وجود کتاب‌های فلسفه به آتش کشید. از جمله حوادث مهم دوران حکومت محمود غزنوی لشکرکشی‌های

در جریان لشکرکشی‌های جهادی مسلمانان به ماوراءالنهر و سرزمین‌های آن سوی رود سیحون در سده‌های نخست هجری، شماری از ترکان به صورت فردی یا طایفه‌ای و قبیله‌ای به دین اسلام گرویدند و به درون قلمرو اسلامی راه یافتند. عده زیادی از آنان به دلیل استعداد خاصی که در امور نظامی داشتند به خدمت دربار عباسیان و امیران مسلمان درآمدند. شماری از آنان حتی به مراتب و مناصب بالای نظامی دست یافتند. الپتگین از جمله این افراد بود که در دربار سامانیان به مقام سپهسالاری رسید. او در میانه قرن چهارم هجری قمری (۳۵۰ق) در شهر غزنه (غزنی/ غزنین) در کوهستان‌های نواحی شرقی افغانستان کنونی که مرز (نغر) شرقی سرزمین‌های اسلامی با هند غیرمسلمان محسوب می‌شد، زمینه ایجاد حکومتی محلی را فراهم کرد. در هنگامه ضعف سامانیان،

بی‌دربی وی به هند بود. او به بهانه جهاد در راه خدا بارها به هند حمله کرد؛ در حالی که هدف و انگیزه‌اش از این حملات، دستیابی به ثروت فراوان هند از طریق غارت معابد و پرستشگاه‌های آن سرزمین بود.

نقشه قلمرو غزنویان در زمان سلطان محمود غزنوی

پس از محمود، پسرش مسعود نیز سیاست پدر را در حمله به هند ادامه داد و این سیاست از جمله عواملی بود که سبب شد وی از وضعیت مردم، به خصوص سکنه خراسان که در زیر بار فشار مالیاتی حکام وی به شدت آسیب دیده بودند، غافل بماند. از این رو، هنگامی که سلجوقیان به فرماندهی طغرل به شهرهای خراسان هجوم آوردند، مردم دروازه شهرها را به روی مهاجمان گشودند. به دنبال شکست مسعود غزنوی از سلجوقیان در نبرد سرنوشت‌ساز دندانقان (۴۳۱ق)، سلطه غزنویان بر خراسان پایان یافت، اما حکومت آنان بر مناطقی از سرحدات شرقی ایران (افغانستان کنونی) و شمال غربی هند تا اواخر قرن ششم هجری ادامه داشت.

سلجوقیان

سلجوقیان طایفه‌ای از ترکان بودند که پس از گرویدن به اسلام، نخست در ماوراءالنهر و سپس در خراسان مستقر شدند. طغرل سلجوقی پس از تصرف نیشابور، این شهر را به عنوان مرکز حکومت خود برگزید (۴۲۹ق). او سپس شهرها و مناطق مختلف ایران را یکی پس از دیگری تسخیر کرد. وی سرانجام به بغداد رفت و خلیفه عباسی را از تسلط آل بویه شیعه‌مذهب درآورد و خود را منجی خلافت معرفی کرد (۴۴۷ق). خلیفه نیز حکومت ایران و عراق را به او بخشید و دستور داد که نام وی را در خطبه بخوانند و سکه به نام او زنند. خلیفه همچنین لقب «سلطان رکن‌الدوله» را به طغرل داد. در زمان آلب‌ارسلان، جانشین طغرل، سلجوقیان در نبردی بزرگ که در ملازگرد رخ داد (۴۶۳ق)، سپاهیان امپراتوری روم شرقی را شکست دادند، امپراتور را اسیر کردند و آسیای صغیر را به متصرفات خود افزودند. در آن زمان قلمرو سلجوقیان از رود سیحون در شرق تا دریای مدیترانه گسترش یافت. این وسیع‌ترین قلمرو یک حکومت در ایران دوران اسلامی بود. توسعه قلمرو سلجوقیان در آسیای صغیر، موجب مهاجرت قبایل و طوایف ترک به آن منطقه و تغییر اوضاع سیاسی و فرهنگی این ناحیه شد. در زمان ملکشاه سلسله سلجوقی به اوج قدرت رسید و در نتیجه



قلمرو سلجوقیان در زمان ملکشاه

بیشتر خاندان‌ها و حکومت‌های محلی از بین رفتند و یا به اطاعت سلطان سلجوقی گردن نهادند. به دنبال مرگ خواجه نظام‌الملک و ملکشاه، حکومت سلجوقیان در اثر اختلافات فراوان بر سر قدرت و جانشینی دچار ضعف شد و سرانجام قلمرو این حکومت به دو بخش غربی و شرقی تقسیم شد. تلاش سلاطینی مانند سنجر برای احیای شکوه گذشته، به دلیل درگیری‌های داخلی و نیز هجوم اقوام مهاجمی همچون قراختائیان^۱ و غزها^۲ این آرزو محقق نشد. شکست سلجوقیان از قراختائیان (۵۳۶ق) در نبرد قطوان منجر به از دست رفتن ماوراءالنهر شد. از سوی دیگر اقوام غز به نواحی خراسان و سپس دیگر نواحی قلمرو سلجوقی هجوم آوردند که در اثر آن آسیب‌ها و خسارت‌های زیادی به شهرها و نواحی مسکونی قلمرو سلجوقی وارد شد. به دنبال این حوادث، قلمرو سلجوقی در ایران بین امیران مختلف تقسیم شد و رقابت و کشمکش بر سر قدرت، حکومت سلجوقی را بیش از پیش تضعیف کرد. با پیروزی تکش خوارزمشاه بر آخرین سلطان سلجوقی (۵۹۰ق)، دولت سلجوقیان منقرض شد و خوارزمشاهیان قدرت را به دست گرفتند. علاوه بر عوامل فوق، مبارزات اسماعیلیان در ایران و نیز قدرت گرفتن اتابکان در نواحی زیر سلطه سلجوقیان نیز در ضعف و زوال این دولت مؤثر بودند.

۱- قراختائیان اصل و نسب مغولی داشتند. در قرن چهارم میلادی جذب فرهنگ چین شدند. محل اصلی سکونت آن‌ها در شمال کوه‌های تیان‌شان بود. در حدود سال ۵۱۲-
 ۵۱۸ق حکومت قدرتمندی تشکیل دادند. در ۵۳۱ق به سرزمین‌های اسلامی هجوم آوردند. نزدیکی آن‌ها به ماوراءالنهر سبب حرکت سنجر برای نبرد با آن‌ها شد.
 ۲- غزها دسته‌ای از طوایف ترک بودند که در زمان سلطان سنجر قوت گرفتند و با شکست سنجر و اسارت او، خراسان را برای مدتی تصرف و غارت کردند.



«اتابک» در ترکی به معنای پدربزرگ و سرپرست است. سلاطین سلجوقی شاهزادگان خردسال خود را برای اداره نواحی تازه فتح شده با گروهی از امیران و بزرگان که به آنها اتابک گفته می شد و وظیفه سرپرستی آنان را داشتند گسیل می کردند. در دوران ضعف سلجوقیان بسیاری از این اتابکان، شاهزادگان را از قدرت برکنار کردند و خود در منطقه تحت سلطه وی حکومت مستقلی تشکیل دادند.

خوارزمشاهیان



قلمرو خوارزمشاهیان (سلطان محمد خوارزمشاه)

خوارزم، یکی از مناطق آباد ایران زمین در قرون نخستین و میانه اسلامی بود. به حاکمان ناحیه خوارزم، خوارزمشاه گفته می شد. خاندان حاکم بر این منطقه با وجود استقلال داخلی، از سلجوقیان اطاعت می کردند. در زمان سنجر، آتسز، حاکم خوارزم با مشاهده ضعف حکومت سلجوقی ادعای استقلال کرد. جانشین او، نکش با شکست دادن طغرل سوم آخرین سلطان سلجوقی، بر بخش وسیعی از ایران تسلط یافت. سلطان محمد خوارزمشاه نیز توسعه طلبی را وجهه همت خود قرار داد و غوریان، قراختاییان و ملوک مازندران را برانداخت و بر کرمان نیز مسلط شد.

در زمان سلطان محمد روابط خوارزمشاهیان با خلافت عباسی، به دلیل این که حکومتش مورد تأیید خلیفه عباسی قرار نگرفت، به تیرگی گرایید. او که به بهانه عدم لیاقت خلیفه عباسی و با اعلام این که حکومت حق سادات حسینی است، یکی از سادات حسینی^۱ را برای جایگزینی خلیفه با خود همراه کرده بود، به بغداد حمله کرد اما به دلیل برف و سرمای شدید حمله وی در همدان متوقف شد.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

چه عاملی سبب شد که سلطان محمد خوارزمشاه حکومت را حق سادات حسینی دانسته و تصمیم به برکناری خلیفه عباسی و دادن خلافت به شیعیان بگیرد؟

بزرگترین خطا و بی تدبیری سلطان محمد خوارزمشاه، بهانه دادن به دست مغولان برای حمله به ایران بود، که در اثر آن بخش‌هایی از ایران در معرض قتل و غارت سپاهیان چنگیز قرار گرفت و حکومت خوارزمشاهیان نیز ساقط شد.

یک توضیح



مورخان نوشته‌اند چنگیز کاروانی متشکل از پانصد بازرگان با کالاهایی گرانبها به ماوراءالنهر فرستاد. حاکم شهر مرزی اترار به نام غایرخان اموال آنان را تصاحب کرد و جز یک تن همه آن‌ها را کشت. منابع تاریخی درباره انگیزه وی اتفاق نظر ندارند. بعضی علت این اقدام را جاسوس بودن آن‌ها دانسته‌اند، برخی علت آن را به‌جا نیاوردن شرط ادب ذکر کرده‌اند و بعضی هم این اقدام را با اجازه سلطان محمد خوارزمشاه و ناشی از طمع دستیابی به ثروت کاروانیان شمرده‌اند.

فعالیت ۱

نمودار خط زمان تاریخ ایران در دوران حکومت‌های غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان را ترسیم کنید و رویدادهای مهم سیاسی و نظامی را بر روی آن نشان دهید.

نظام اداری

سلاطین غزنوی که دست پرورده شیوه فرمانروایی ایرانی اسلامی بودند به خوبی درک می‌کردند که در اداره قلمرو رو به توسعه خود به استفاده از نظام اداری ایرانی و بهره‌گیری از دیوانسالاران ایرانی نیاز دارند. از همین رو بسیاری از دیوانسالاران حکومت سامانی و حتی برخی از دیوانسالاران حکومت آل بویه را به خدمت گرفتند. سلجوقیان نیز از آغاز حکومت با به کارگیری دیوانسالاران ایرانی همچون عمیدالملک کندی و خواجه نظام‌الملک توسی نظام اداری

ایران را کامل تر و گسترده تر کردند. در این بین نقش نظام‌الملک در ساختار نظام اداری ایران عصر سلجوقی به اندازه‌ای برجسته است که دوران وزارت وی را می‌توان «عصر نظام‌الملک» نامید. خواجه نظام‌الملک در تلاش بود که با تقویت حکومت مرکزی از طریق تقویت و توسعه نظام اداری مدنظر خود که مبتنی بر میراث اداری کهن ایرانی بود ضمن ایجاد ثبات و استمرار، با نیروی سرکش امیران و نظامیان سلجوقی که به سنت‌های قبیله‌ای خود همچنان وفادار بودند، مقابله کند. این چالش مداوم، منجر به تقابل دو نیروی

مخالف شد که در تاریخ ایران به نام تقابل اهل قلم (دیوان سالاران) و اهل شمشیر (نظامیان) معروف گردید. نظام اداری سلجوقی الگویی مطلوبی برای حکومت‌های پس از خود شد.

نظام اداری سلجوقیان نیز مانند دوره غزنوی به دو بخش درگاه و دیوان‌ها تقسیم می‌شد و تقابل دو عنصر اهل قلم و اهل شمشیر در این عصر نیز وجود داشت. دیوان‌ها در پایتخت حکومت قرار داشتند و در دیگر مناطق کشور نیز نظام اداری تقریباً مشابه اما به مراتب کوچک‌تر از پایتخت وجود داشت. بنابه ضرورت برخی دیوان‌ها به تدریج توسعه و تحول یافتند و دیوان‌های جدیدی نیز

به وجود آمد. دیوان وزارت که در رأس آن وزیر قرار داشت به شکوهمندی بی‌نظیری رسید. با این حال وزیر در منصب خود هیچ امنیتی نداشت و آنچه سبب تداوم کار وی می‌شد، اراده و خواست سلطان بود. اگر سلطان بنا به دلایلی از وزیر رنجیده یا از موقعیت وی به هراس می‌افتاد، عزل یا قتل و مصادره اموال در انتظار او بود. همه دیوان‌های سلجوقی زیر نظر وزیر کار می‌کردند. در این دوره از اهمیت برخی دیوان‌ها نسبت به دوره غزنوی کاسته شده و برخی دیگر اهمیت بیش‌تری یافتند.

فعالیت ۲

بررسی شواهد و مدارک

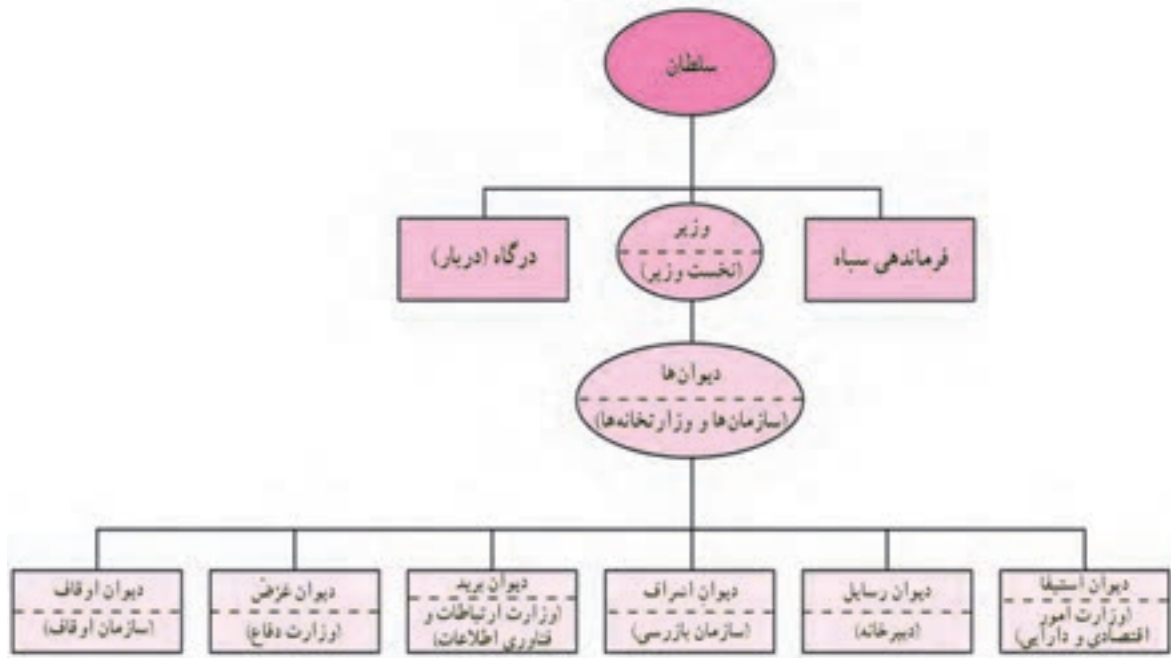
متن‌های زیر را بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آن‌ها پاسخ دهید.

متن ۱: «روزی سلطان به وی [نظام الملک] پیغام داد که همانا با من در ملک شریکی که ولایت و اقطاع به اولاد خود می‌دهی، و هر تصرف که در ملک می‌خواهی بی‌مشورت من می‌کنی، خواهی تا بفرمایم که دوات وزارت از پیش و دستار از سرت بردارند؟ نظام الملک جواب داد که دوات من و تاج تو در هم بسته است و توأمانند، اما فرمان او را باشد» (رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع‌التواریخ، بخش سلجوقیان، ص ۳۶).

– منظور نظام الملک از رابطه بین دوات [نماد اهل قلم] وی و تاج سلطانی چیست؟

متن ۲: «باید که به همه اطراف همیشه جاسوسان روند بر سبیل بازارگانان و سیاحان و صوفیان و داروفروشان و درویشان، و از هر چه می‌شنوند خبر می‌آورند تا هیچ‌گونه از احوال چیزی پوشیده نماند» (نظام الملک، سیاست‌نامه، ص ۹۰).
الف) با توجه به متن فوق، نظام الملک، ایجاد کدام دیوان را برای حکومت سلجوقی ضروری شمرده است؟
ب) به نظر شما اطلاع حاکم از اوضاع مملکت می‌توانست چه فایده‌ای به همراه داشته باشد.

تعداد نظام اداری - دیوانی



نام دیوان	توضیحات
استیفا	استیفا به معنای تمام گرفتن و طلب تمام کردن است. دیوان استیفا یا دیوان بیت‌المال و دیوان خراج، معادل وزارت امور اقتصادی و دارایی امروزی بوده است. این دیوان به ریاست مستوفی یا مستوفی الممالک به امور مالی یعنی محاسبه و گردآوری درآمدها (مالیات‌ها) و هزینه‌ها (مخارج) رسیدگی می‌کرد.
رسایل	دیوان رسایل یا دیوان انشا به ریاست صاحب دیوان رسالت، وظیفه داشت احکام و نامه‌های حکومتی را نگارش، تنظیم، ثبت، دریافت و ارسال کند. عده زیادی دبیر در این دیوان مشغول کار بودند.
برید	دیوان برید یا چاپارخانه به ریاست صاحب برید، وظیفی شبیه اداره پست امروزی داشته است. چاپارهای این دیوان وظیفه داشتند علاوه بر انتقال پیام‌ها و نامه‌های حکومتی از مرکز به ولایات و بالعکس، برای فرمانروا خبرگیری و به نوعی جاسوسی کنند.
اشراف	دیوان اشراف مشابه سازمان بازرسی کنونی بوده است. این دیوان به ریاست مشرف بر دخل و خرج کشور و عملکرد دیوانیان به ویژه مستوفیان نظارت می‌کرد.
عراض	دیوان عراض به ریاست عارض تقریباً معادل وزارت دفاع کنونی بود و بر امور اداری و مالی و تدارکاتی سپاه، از قبیل آمار سپاهیان، پرداخت و حقوق و مواجب آنان نظارت می‌کرد.

فعالیت ۳

با مطالعه دقیق وظایف دیوان‌ها در عصر سلجوقیان، بگوئید امروزه وظایف هر یک از این دیوان‌ها را چه وزارتخانه یا نهادی انجام می‌دهد؟

نظام اداری دوره خوارزمشاهی تداوم نظام اداری سلجوقی بود، با این تفاوت که اختیارات برخی دیوان‌ها نسبت به دوره سلجوقی کم شد، برخی دیگر تغییر نام یافت و برخی دیوان‌های جدید نیز تشکیل گردید. به‌عنوان نمونه در این دوره قدرت و نقش وزیر نسبت به دوره سلجوقی به شدت کاهش یافت و حتی در مواردی منصب وزیر حذف شد.

اوضاع اجتماعی اعتقادی

مانند اکثر ادوار تاریخی بخش عمده جمعیت ایران در این دوران در روستاها به سر می‌بردند بین روستاها و شهرهای ایران در ادوار مختلف روابط دوجانبه‌ای وجود داشت که تابع ساختارهای سیاسی

و اجتماعی اقتصادی جامعه بود. شهرها مانند همه ادوار تاریخی ایران از سه بخش کهنه‌دژ (ارگ)، شهرستان (شارستان) و شهر بیرونی (زَبَض) تشکیل می‌شد، با این تفاوت که شهر بیرونی در دوره سلجوقی بیش از ادوار پیشین گسترش یافت. این اتفاق به دلیل رشد مناسبات شهری و افزایش جمعیت شهرها رخ داد. همراه با این تحول، عناصر شهر اسلامی مانند مسجد و بازار به شهر بیرونی منتقل شدند و در کنار هم قرار گرفتند. شهرهایی که مرکز یک ناحیه محسوب می‌شدند، به دلیل وجود نهادهای اداری و نیز به دلیل اهمیت سیاسی اجتماعی که داشتند، بیش از دیگر شهرها شاهد توسعه جغرافیایی، افزایش جمعیت و توسعه عناصر شهری بودند.

ساخت کالبدی شهر در دوره سلجوقیان

زندگی می‌کردند. بیهقی، ری، گرگان، ساری و قم از جمله مهم‌ترین مراکز شیعه‌نشین ایران بودند. پیروان مذهب اسماعیلی که به امامت اسماعیل فرزند امام جعفر صادق(ع) پس از آن حضرت اعتقاد داشتند، نیز در شهرها و روستاهای ایران پراکنده بودند. این گروه مهم‌ترین مخالفان خلافت عباسی و دو حکومت غزنوی و سلجوقی بودند و به همین دلیل همیشه از سوی حکومت مورد تعقیب و آزار قرار داشتند. از وجود پیروان ادیان مسیحی، یهودی و زرتشتی در برخی شهرهای ایران نیز گزارش‌هایی در دست است.

در دوره سلجوقی به دلیل رشد شهرنشینی و توسعه مناسبات شهری طبقه بازرگان شهری بیش از پیش اهمیت یافت و بازرگانان به یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی تبدیل شدند. در شهرها مشاغل و حرفه‌های گوناگونی وجود داشت. ری، اصفهان، مرو و نیشابور از جمله شهرهای مهم این دوران بودند.

بافت مذهبی جمعیت شهری و روستایی این دوره را عمدتاً پیروان اهل تسنن تشکیل می‌دادند. به جز پیروان تسنن، شیعیان دوازده امامی (امامیه) نیز در شهرهای ایران پراکنده بودند و در برخی نقاط اکثریت داشتند. در برخی شهرهای ایران سادات علوی نیز



اسماعیلیان ایران

تصویر قلعة الموت

اسماعیلیان از قرن سوم هجری فعالیت تبلیغی خود را در ایران آغاز کردند و در دوران سلجوقیان به یک جریان مذهبی سیاسی نیرومند تبدیل شدند. رهبری اسماعیلیان ایران را در آن زمان حسن صباح به عهده داشت که با خلافت فاطمیان مصر ارتباط داشت. حسن صباح و جانشینان او با تصرف و یا بنای دژها در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور، پایگاه‌های مستحکم و نفوذناپذیر برای خود ایجاد کردند و با سلجوقیان و خلافت عباسی به مبارزه پرداختند. دژ الموت در نزدیکی قزوین و دژ گردکوه در حوالی دامغان از جمله مهم‌ترین قلعه‌های آنان بود. اسماعیلیان همزمان با مبارزات نظامی برای تبلیغ آیین خود و جذب مردم خصوصاً شیعیان به مذهب اسماعیلی و عقاید سیاسی خود فعالیت‌های

فرهنگی زیادی انجام دادند. آنان از افرادی به عنوان «داعی» برای دعوت و جذب مردم به اندیشه‌های خود استفاده می‌کردند. یکی از داعیان معروف اسماعیلی، شاعر و متفکر بزرگ ایرانی، ناصر خسرو بود که چندین کتاب مهم به زبان فارسی در این زمینه نوشت. خواجه نصیرالدین توسی دانشمند معروف شیعی قرن هفتم ق که در یکی از قلاع اسماعیلی به سر می‌برد از کتابخانه بزرگ و غنی اسماعیلیان بهره فراوان برد. مبارزات اسماعیلیان نقش مهمی در تضعیف سلجوقیان داشت. قلعه‌های اسماعیلیان در جریان حمله هلاکوخان به تصرف مغولان درآمد.

در این عصرگاه اختلافات و منازعاتی میان پیروان بعضی از فرقه‌ها و مذاهب اسلامی در برخی از شهرها و مناطق پیش می‌آمد. دخالت سوء حکومت‌ها به ویژه غزنویان و سلجوقیان در امور مذهبی و

جانبداری آن‌ها از یک فرقه و مذهب و دشمنی‌شان با فرقه و مذهب دیگر، به این اختلافات و درگیری‌ها دامن می‌زد.

فعالیت ۴

سیاست مذهبی سلجوقیان را با سیاست مذهبی آل بویه مقایسه کنید و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن را بیان نمایید.

اوضاع اقتصادی

به ضعف و زوال حکومت سلجوقیان کمک کرد. یکی از تحولات چشمگیر دوران حاکمیت غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان زوال موقعیت اقتصادی و اجتماعی دهقانان در ایران بود. مالکیت زمین در تاریخ ایران همواره یکی از مسائل مهم به شمار می‌رفته است. در طول تاریخ شکل‌های مختلف مالکیت بر زمین

مهم‌ترین منبع اقتصاد ایران در این دوره مانند همه ادوار تاریخی دیگر، کشاورزی بود. در دوره سلجوقیان تحولات و تغییرات مهمی در نظام زمینداری و کشاورزی ایران به وجود آمد که نهایتاً

وجود داشته که در دوره‌های مختلف دچار تغییراتی شده است. مالکیت شخصی بر زمین بسیار محدود و ناپایدار بود و چنین املاکی همواره در معرض مصادره فرمانروایان و مأموران آنان قرار داشت. عمده‌ترین شکل مالکیت زمین در ایران، مالکیت دولتی یا دیوانی بود که از دوران باستان در ایران رواج داشت. در دوران اسلامی همچون گذشته، بخشی از زمین‌ها در قبال خدمت نظامی، اداری و... به افراد داده شد. در عصر سلجوقی با تدبیر نظام‌الملک نظام اقطاع که پیش از سلجوقیان و خصوصاً در حکومت آل بویه و در غرب ایران رایج بود، گسترش یافت. اقطاع به انواع مختلف واگذاری زمین به افراد نظامی یا صاحبان مشاغل دیوانی گفته می‌شد. نظام‌الملک با هدف نظارت و آباد کردن زمین‌هایی که از ادوار پیشین بایر و بلااستفاده باقی مانده بود، در توسعه نظام اقطاع نقش مهمی ایفا کرد. گرچه این سیاست در ابتدا نتایج و عواید مثبتی برای حکومت داشت، اما پس از نظام‌الملک به دلیل تمایل تدریجی صاحبان اقطاع به استقلال، سبب جدایی مناطقی شد که زمین‌های اقطاعی در آن‌ها قرار داشتند و نهایتاً به ضعف و زوال حکومت سلجوقی کمک کرد. نوع دیگر مالکیت که به تدریج در این دوران در ایران توسعه یافت، زمین‌های وقفی بود. اقتصاد شهری: تولید، مبادله و توزیع انواع کالا و محصولات

زراعی و نیز دریافت بهره مالکانه از کشاورزان و صنعت‌گران خرده‌پای شهری از جمله مهم‌ترین کارکردهای اقتصاد شهری این دوره بود. با توسعه شهرنشینی و رشد شهرها اقتصاد شهری نیز رشد یافت. بازارها به عنوان قلب تپنده شهر رو به توسعه گذاشت. بازرگانان و پیشه‌وران مهم‌ترین گروه‌های فعال شهری بودند. بازرگانان این دوره به دو دسته تقسیم می‌شدند: بازرگانان توانگری که از اعیان شهری محسوب می‌شدند و بازرگانانی که از توان مالی زیادی برخوردار نبودند و به عنوان پیشه‌ور در بازار فعالیت داشتند. گروه اول معمولاً به سفرهای تجاری دور و نزدیک می‌رفتند و کالاهایی را از راه‌های زمینی و دریایی صادر و وارد می‌کردند. برقراری نظم و امنیت، گسترده‌گی قلمرو، ایجاد راه‌های جدید، توسعه حمل و نقل و وجود نظام دیوانی قدرتمند از جمله عواملی بودند که امنیت سبب رشد تجارت داخلی و خارجی در عصر سلجوقی شدند. سنگ‌های قیمتی، انواع منسوجات، برخی محصولات کشاورزی پرطرفدار، برخی اشیاء فلزی، ظروف سفالی و انواع ظروف شیشه‌ای در داخل و خارج از مرزهای ایران مبادله و خرید و فروش می‌شدند. صرافان که وظیفه انجام معاملات پولی و تسهیل مبادله کالاها را به عهده داشتند، نقش مهمی در توسعه تجارت خارجی ایفا می‌کردند.

کاوش خارج از کلاس

با راهنمایی دبیر، درباره تاریخ شهر و یا استان محل زندگی خود در دوران سلجوقیان و خوارزمشاهیان گزارشی را تهیه و در کلاس ارائه دهید.

زبان، علم و آموزش

دوران طولانی حکومت سلسله‌های غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی همزمان شاهد تکوین و اوج‌گیری فلسفه و علوم طبیعی و نیز افول تدریجی این علوم بود. در این دوران، دانشمندان

بسیار بزرگی فعالیت علمی می‌کردند. در دوره غزنوی ابوریحان بیرونی در نجوم و جغرافیا، ابن سینا در فلسفه و طب، در دوره سلجوقی ابوالعباس لوکری و خیام نیشابوری در ریاضیات و نجوم، شهاب‌الدین سُهروردی و امام فخر رازی در فلسفه و سید اسماعیل جرجانی در پزشکی از جمله معروف‌ترین این دانشمندان بودند.



مجسمه خیام در مقر سازمان ملل متحد در وین

حکیم عمر خیام نیشابوری

حکیم عمر خیام در عصر سلجوقی از عالی‌ترین مرتبه علمی برخوردار بود. خیام که شهرتش اکنون بیشتر به‌خاطر رباعیات اوست، در علوم ریاضی و نجوم سرآمد عصر خود محسوب می‌شد. علاوه بر آن در فلسفه نیز تبحر داشت. برخی محققان، عصر خیام را پایان دوره‌ای می‌شمارند که علم در دنیای آن روزگار تقریباً به مسلمانان اختصاص داشت. کتاب او با عنوان «رساله فی الجبر و المقابله» که در تاریخ علم آن را برجسته‌ترین رساله در این زمینه در تمام قرون وسطی خوانده‌اند شامل حل هندسی و تحقیق منظمی در طبقه‌بندی معادلات جبری درجه اول، درجه دوم و درجه سوم بود. وی همچنین در تحقیق و تنظیم آنچه تقویم جلالی منسوب به جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی نام دارد، نقش اساسی داشت.

های وابسته به آن داشت بعدها الگوی بسیاری از نهادهای آموزشی دینی در دیگر نقاط دنیای اسلام و کشورهای غربی گردیدند. پس از نظام‌الملک، مدیران و مدرسان نظامیه‌ها توسط سلطان یا خلیفه تعیین می‌شدند. امام محمد غزالی از جمله مهم‌ترین و معروف‌ترین عالمانی بود که در این مدرسه درس خواند و درس داد. آخرین نظامیه تا حملهٔ هلاکوخان در سال ۵۶۵ ق به بغداد که به نابودی آن انجامید، فعال بود.

علوم دینی در قیاس با فلسفه و علوم طبیعی، به‌دلیل حمایت‌های حکومتی و نیز برتری موقعیت علمای مذهبی از جایگاه برتری برخوردار شد. با حمایت حاکمان و دولتمردان غزنوی و سلجوقی مراکز و مؤسسات آموزشی که پیش‌تر به علوم دینی اختصاص داشت گسترش یافت. نظامیه‌ها که به همت خواجه نظام‌الملک توسی در شهرهای مهم چون بغداد و اصفهان و نیشابور ساخته شدند، از این جمله بودند. این مدارس که اختصاص به تدریس فقه شافعی و دانش

بحث و گفت‌وگو

دربارهٔ آثار و نتایج اجتماعی و فرهنگی محدود و منحصر کردن مدرسان و محصلان مدارس به پیروان یک مذهب خاص در کلاس بحث و گفت‌وگو کنید.

دانشمندان این دوره به نوشتن آثار خود به زبان فارسی نیز در رونق و توسعهٔ زبان و ادبیات فارسی نقش به‌سزایی داشت. در عصر غزنوی شعر فارسی به اوج خود رسید و حکیم فردوسی شاهنامه را که نماد هویت ایرانی و زبان فارسی است سرود و ابوالفضل بیهقی یکی از

قرون چهارم تا هفتم دوران توسعهٔ زبان و ادبیات فارسی و ظهور بزرگترین نویسندگان و شاعران زبان فارسی است. تلاش‌های دیوانسالاران ایرانی در تبدیل زبان دستگاه اداری غزنویان از عربی به فارسی که در دورهٔ سلجوقی عملاً رسمیت یافت و تمایل علما و

فرصت مناسب برای توسعه هر چه بیشتر زبان و ادبیات فارسی فراهم آمد. شعر فارسی به‌ویژه در انتهای دوره سلجوقی به رونق و شکوفایی فراوانی دست یافت. سنایی، انوری، خاقانی و عطار از مشهورترین شاعران و نویسندگان عصر سلجوقی و خوارزمشاهی بودند.

بزرگترین شاهکارهای زبان فارسی یعنی تاریخ بیهقی را نوشت. در همین دوره آثار فراوانی در تاریخ، طب، ریاضیات، نجوم و فلسفه به زبان فارسی نگاشته شد. در عصر سلجوقی این روند رشد سریع‌تری به خود گرفت. با رشد شهرها، تأسیس و توسعه مراکز آموزشی و توسعه نقش و نفوذ روزافزون دیوانسالاران ایرانی در دستگاه اداری حکومت سلجوقی و جذب شعرا و نویسندگان به دربارهای مختلف،

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما عدم تعادل در رشد و گسترش علوم عقلی و نقلی در یک جامعه چه آفاتی می‌تواند به دنبال داشته باشد؟



برج و آرامگاه ارسلان جاذب، سنگ بست، مشهد

هنر و معماری

از عصر غزنوی بعضی کاخ‌ها و بناهای برج مانند که آرامگاه مشاهیر عصر خود بودند، باقی مانده که در خور توجهند. دوره سلجوقی یکی از دوره‌های مهم هنر اسلامی تلقی می‌شود. گسترش ارضی، حکومت فراگیر، توسعه شهرنشینی، رشد اقتصادی و حمایت دولتمردان و برخی حکام در شکوفایی هر چه بیشتر هنر و معماری این دوره تأثیر به‌سزایی داشت. مسجد، مدرسه، کاروانسرا و نیز مقابر از جمله بناهای معماری رایج دوره سلجوقی به حساب می‌آیند. مسجد جمعه اصفهان که اولین مسجد چهار ایوانی در ایران است، الگویی برای معماران مساجد در ادوار بعدی شد. کاشی‌ها و گچبری‌ها و تزیینات به‌کار رفته در این مسجد نیز به عنوان نمونه‌ای عالی از هنر این دوره محسوب می‌شوند.

کاوش خارج از کلاس

الف) به طور انفرادی یا گروهی درباره بناها و آثار تاریخی دوره سلجوقیان که در شهر یا استان محل زندگی شما وجود دارد گزارشی را در قالب پاورپوینت تهیه و در کلاس ارائه کنید.

ب) با رجوع به کتابخانه مدرسه، شهر یا جستجو در اینترنت در خصوص مهم‌ترین آثار هنری به‌جای مانده از عصر غزنوی و سلجوقی پاورپوینتی را تهیه و در کلاس ارائه دهید.

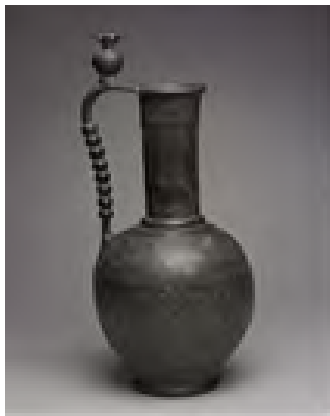


نمای داخلی گنبد مسجد جمعه اصفهان، دوره سلجوقیان

فلزکاری در عصر سلجوقی یکی از درخشان‌ترین دوران خود را در تاریخ ایران پشت سر گذاشت. آثار فلزی با تزیینات فراوان به صورت قلمزنی و نیز قالبی در مقیاس فراوان تولید و گاهی اوقات به خارج از قلمرو سلجوقی صادر می‌شدند. شیوه‌های تولید و تزیین فلزکاری عصر سلجوقی به دلیل غنای خود بعداً به سرزمین‌های غرب قلمرو اسلامی انتقال یافت.

هنر سفالگری گرچه به کیفیت دوره سامانی نرسید اما با استفاده از نقوش جانوری و گیاهی توسعه یافت و مراکز مهم سفالگری عصر سامانی از شرق ایران یعنی نیشابور و سمرقند به تدریج به مناطق مرکزی مانند کاشان انتقال یافت.

هنر کاشی‌کاری نیز در کنار توسعه معماری در این دوره به اوج خود رسید و استفاده از نقوش انسانی، گیاهی، جانوری و نیز نقوش هندسی برای تزیین بناهای مذهبی و غیر مذهبی کاربرد فراوانی یافت.



ایریق برتزی، نیشابور دوره سلجوقیان

پرسش‌های نمونه

- ۱ اهداف محمود غزنوی از حمله به هند چه بود؟
- ۲ با تصرف بغداد توسط سلجوقیان چه تقسیم‌بندی عملی در جهان اسلام رخ داد؟
- ۳ نظام‌الملک چه اهدافی از تقویت و توسعه نظام اداری در عصر سلجوقی داشت؟
- ۴ بافت مذهبی شهرهای ایران در دوران غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان را به اختصار توضیح دهید.
- ۵ عواملی که در توسعه تجارت داخلی و فراسرزمینی در دوره سلجوقی نقش داشت چه بودند؟
- ۶ چه عواملی در بروز منازعات سیاسی — مذهبی دوره ترکان نقش داشت؟
- ۷ عوامل مؤثر بر رشد هنر و معماری در دوره سلجوقی کدامند؟